

فصلنامه

خانه موسیقی ایران

سال چهاردهم - شماره ۵۳ - بهار ۱۴۰۳

- 
- کانون هویت بخش
 - سند موسیقی کشور یک فرصت است
 - گفتگو با هوشنگ اکبری، سازنده ویولن
 - واکاوی دوره‌های موسیقی از آغاز تا به امروز
 - گل‌ها را از من بگیری، می‌میرم!!
 - مطالعه‌ای بر سمفونی در ۳ موومان
 - یادی از استاد محمد میرنقیبی
 - ششمین جشنواره موسیقی امیرجاهد



فهرست

- کانون هویت بخش / ۲
سند موسیقی کشور یک فرصت است / ۳
گفتگو با هوشنگ اکبری، سازنده ویولن / ۵
حمیرا اکبری، ظرافت بانوانه در ساز / ۷
واکاوای دوره‌های موسیقی از آغاز تا به امروز (تاریخ موسیقی) / ۸
یاد و خاطره‌ای از استاد علی تجویدی؛ گل‌ها را از من بگیری، می‌میرم!! / ۱۶
مطالعه‌ای بر سمفونی در ۳ موومان / ۱۸
مقدمه کتاب دوره چهارم ویلن صبا / ۲۰
چند و چونی در موسیقی پاپ / ۲۲
در بی دولتی موسیقی سند موسیقی بدون پشتوانه و ضمان اجرایی بی ارزش است / ۲۵
یادی از استاد محمد میرنقیبی / ۲۶
هشت پرسش خانه موسیقی از نامزدهای ریاست جمهوری / ۲۷
ششمین جشنواره موسیقی امیرجاهد / ۲۸
رخدادهای خانه موسیقی ایران در فصل بهار / ۳۰
مراحل تمدید کارت عضویت / ۳۱
درگذشتگان / ۳۲

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال چهاردهم - شماره ۵۳ - بهار ۱۴۰۳

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندربور

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranhmusic.ir

* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مابین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



*حمیدرضا عاطفی

کانون هویت بخش

مثبت و منفی روی داد و انتظار می رود این سند با مذاقه‌ی همه‌ی صاحب‌نظران بررسی و تحلیل شود چرا که قرار است نکات ضعف آن برطرف و به مرور اصلاح و تکمیل شود.

علیرغم اینکه بعضی مدعیان انقلابی موسیقی که همه چیز را انکار و رد می کنند و هیچ نقد سازنده‌ای از آنها دیده نمی شود این سند می تواند با امعان نظر و همکاری پژوهشگران و فعالان مثبت‌اندیش حوزه‌ی موسیقی به نقطه‌ی مطلوب نزدیک و نزدیک‌تر شده و بتواند حلال مشکلات و یا دست کم بخشی از مشکلات و معضلات مزمن جریان موسیقی کشور را حل کند. موضوع فشارها و تضییع حقوق هنرمندان برهه حساس دهه پنجاه که اخیرا از سوی یکی از آهنگسازان خارج نشین مطرح شده باز موضوع روز اهالی موسیقی بود و باز هم همان تهمت‌ها و افتراهای تکراری که ابتهاج و لطفی و شجریان و و آمدند و عده‌ای را خانه‌نشین کردند!!

اولا که چنین روایتی از بیخ و بن غلط و بی اساس است و هنوز هستند افراد و هنرمندانی که در آن مقطع فعالیت داشتند و می توانند صحت و سقم این ماجرا را بیان کنند؛ دوما به شهادت آثار موجود گل‌های تازه که با مسئولیت مرحوم هوشنگ ابتهاج تولید شده همه‌ی آن هنرمندانی که گفته شده خانه‌نشین شده‌اند در این سری گل‌های تازه که قریب به دویست برنامه است به اجرای برنامه پرداخته‌اند.

در این زمینه سخن بسیار است و امیدواریم در آینده به طور مسوط به آن بپردازیم.

* سردبیر

بهار پر حادثه‌ای را پشت سر گذاشتیم... حادثه تلخ و شیرین... سیاه و سفید... بیم و امید... ووو کم و بیش همچون سراب زندگی انسانها که مملو از خیال و واقعیت و فراز و فرود و مرگ و زندگی است.

اساسا ما در مقطعی تاریخی به سر می بریم؛ با سرعت سرسام آوری در حرکتیم... اما ساکن متغیر! و این حالت بوالعجبی است شگفتی زا...

درجا می‌زنیم و زمان هم به سرعت می‌گذرد... به کارهایمان نمی‌رسیم و عمرمان چون باد می‌رود... در تلاطم و کوششیم اما زایشی نداریم. در تلاشیم اما ارتقایی نمی‌بینیم و چه بسا هر گام که بر می‌داریم دو گام به عقب می‌افتیم... و چه خوشحال و مسرور آنها که از ماه گذشته شان عقب نیفتادند!

درجا زدن خودش توفیقی است و گرنه با این تورم خانمان برانداز اقتصادی و تخفیفات فرهنگی مگر می‌توان درجا زد؟ درجا زدن برای خیلی‌ها می‌تواند موفقیتی باشد رشک برانگیز... به هر حال انتخابات ریاست جمهوری در راه است و به زودی کشتیمان احرابی کشور تعیین خواهد شد و باز امیدمان به فردا و فرداهای دیگر است بلکه گشایشی حاصل شود و وو.

و اما در حیطه فعالیت‌های صنفی خبر خوش اینکه کانون موسیقی نواحی بعد از دو دهه بالاخره قرار است تاسیس شود و این اتفاق خجسته اگر بیفتد امید می‌رود سر و سامانی به این موسیقی زیربنایی و هویت بخش کشورمان داده شود و در پی آن اتفاقات بهتری نیز بیفتد.

رونمایی از سند موسیقی کشور نیز با همه‌ی نقد و نظرهای

مدیرعامل در نشست ماهانه خرداد:

سند موسیقی کشور یک فرصت است

اولین نشست ماهانه امسال روز یکشنبه بیست و هفتم خرداد با حضور برخی از اعضای هیئت مدیره، شورای عالی و مدیرعامل و همچنین تعدادی از هنرمندان در محل خانه موسیقی برگزار شد.



در شورای انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و از سوی دولت و با امضای رئیس جمهور ابلاغ شد.

نوربخش افزود: کمترین فایده‌ی این سند که دیروز مراسم رونمایی آن با حضور برخی از هنرمندان برگزار شد، این است که تمامی نهادها و بخش‌های اجرایی و نظارتی کشور باید موسیقی را به رسمیت بشناسند و مجوز صادر شده از سوی ارشاد دارای ارزش و اعتباری است که هیچ نهادی به سادگی نمی‌توان آن را لغو و یا باطل کند.

البته که هیچکس ادعا ندارد که این سند بی‌نقص و کاملاً عالی و بی‌عیب است؛ ما نباید نگاه صفر و صدی داشته باشیم. طبیعتاً صحبت درباره تمام اجزا و مسایل در این سند در اینجا میسر نیست. از ابتدای ابلاغ و انتشار این سند نقدهایی به آن وارد بود که این نقدها کار بسیار خوبی است.»

مدیرعامل خانه موسیقی در زمینه امکان تجدیدنظر در مفاد



در آغاز حمیدرضا نوربخش ضمن خوش آمدگویی و ابراز مسرت از گردهمایی هنرمندان با اشاره به علل و عوامل به تعویق افتادن این نشست ها در سال گذشته گفت: «همدلی و حمایت اعضا برای این نهاد سرمایه عظیم و دل گرم کننده است و همین موضوع است که خانه موسیقی را در گذر از بحران‌ها یاری می‌کند.

وی ضمن تاکید بر جایگاه و ارزش و مرتبه‌ی هنرمندان و موسیقیدانان گفت: نهادهایی مثل خانه موسیقی و همین جایی که الان ما هم در آن حضور داریم فی‌النفسه یک «بنا» است ولی این اعضا و هنرمندان هستند که با حضورشان به این بنا معنا می‌بخشند و آن را به نام خانه موسیقی ایران ارزشمند می‌کنند و به نوعی پشتوانه خانه به شمار می‌آیند.»

نوربخش با اشاره به تصویب «سند ملی موسیقی» به عنوان یکی از اتفاقات مهم اواخر سال گذشته افزود: «طی چند دهه‌ی گذشته همواره فعالیت در حوزه‌ی موسیقی به نوعی با یک عدم رسمیتی مواجه بود... یک وزارتخانه و یک اداره‌ی موسیقی بود که در قالب آیین‌نامه‌ای به فعالیت‌ها نظارت می‌کرد و مجوزی می‌داد و بعضاً هم این مجوز از سوی برخی نهادها بلا ارزش بود و ما شاهد لغو کنسرت‌ها بودیم و این موضوع که موسیقی و فعالان آن همواره با چالش عدم رسمیت و مشروعیت مواجه بودند بسیار آزار دهنده بود.

نوربخش در ادامه گفت از حدود ده سال پیش با حضور عده‌ای از صاحب‌نظران، پژوهشگران و موسیقیدانان در صدد تهیه و تدوین سندی برای موسیقی کشور بودیم و بالاخره این سند در دولت سیزدهم و با همراهی و همکاری خوب وزیر محترم ارشاد



این سند گفت: «همانطور که گفتیم ما مدعی نیستیم که تمام مسائل موسیقی در این سند دیده شده، اما به یاد داشته باشید که این یک قدم اولیه است که با تمام اقتضائاتی که وجود داشته برداشته شده است. قطعا در سند ملی موسیقی امکان تجدید نظر وجود دارد. برای تحقق این امکان در خود مفاد سند یک شورای ناظر بر اجرای آن دیده شده است، که خانه موسیقی نیز یکی از اعضای این شورا است.»

حمیدرضا نوربخش در ادامه ضمن گرامیداشت یاد و نام درگذشتگان ماه‌های اخیر، برای سال جاری نوید برگزاری جشن سالیانه، مستر کلاس‌های آموزشی و نمایشگاه سازخانه را به قرار سال‌های گذشته داد.

پس از مدیرعامل، پیمان بزرگ نیا از اعضای کانون پژوهشگران خانه به پشت تریبون آمد تا گزارشی از روند تاسیس و تشکیل کانون موسیقی نواحی ارائه دهد؛ بزرگ نیا که به عنوان نماینده خانه موسیقی جهت پیگیری تشکیل کانون موسیقی نواحی از سوی هیئت مدیره منصوب شده است با اشاره به مشکلات و موانع تاسیس این کانون گفت: از مشکلات پیش رو تشکیل این کانون پراکندگی جغرافیایی فعالین این حوزه است که خانه موسیقی و هیئت مدیره آن در تلاش برای تمهید ساز و کاری در راستای تجمیع نمایندگانی از این کانون هستند.»

وی در ادامه با اشاره به ضرورت تاسیس این کانون ضمن کتاب اضافه شده است.»

کتاب «راز آشکارا» بر خورد صادقانه این استاد موسیقی با خود و نیم قرن خاطرات ایشان است که پس از گذشت حدود بیست سال از چاپ اولین جلد آن، علاقه‌مندان قادر به تهیه جلد دوم آن نیز خواهند بود.

این نشست که در آخرین روزهای بهار سال جاری برگزار شد، حاضرین شنونده اجرای قطعه‌ای در «بیات ترک» به نوازندگی هنرمند جوان مرتضی درگومه و اجرای قطعه «الچی» اثر گلزونوف توسط هنرمندان مبین خندان (نوازنده ویولا) و اشکان صالحی (نوازنده پیانو) بودند.

پس از مدیرعامل، پیمان بزرگ نیا از اعضای کانون پژوهشگران خانه به پشت تریبون آمد تا گزارشی از روند تاسیس و تشکیل کانون موسیقی نواحی ارائه دهد؛ بزرگ نیا که به عنوان نماینده خانه موسیقی جهت پیگیری تشکیل کانون موسیقی نواحی از سوی هیئت مدیره منصوب شده است با اشاره به مشکلات و موانع تاسیس این کانون گفت: از مشکلات پیش رو تشکیل این کانون پراکندگی جغرافیایی فعالین این حوزه است که خانه موسیقی و هیئت مدیره آن در تلاش برای تمهید ساز و کاری در راستای تجمیع نمایندگانی از این کانون هستند.»

وی در ادامه با اشاره به ضرورت تاسیس این کانون ضمن

کتاب اضافه شده است.»

کتاب «راز آشکارا» بر خورد صادقانه این استاد موسیقی با خود و نیم قرن خاطرات ایشان است که پس از گذشت حدود بیست سال از چاپ اولین جلد آن، علاقه‌مندان قادر به تهیه جلد دوم آن نیز خواهند بود.

این نشست که در آخرین روزهای بهار سال جاری برگزار شد، حاضرین شنونده اجرای قطعه‌ای در «بیات ترک» به نوازندگی هنرمند جوان مرتضی درگومه و اجرای قطعه «الچی» اثر گلزونوف توسط هنرمندان مبین خندان (نوازنده ویولا) و اشکان صالحی (نوازنده پیانو) بودند.



گفتگو با هوشنگ اکبری، سازنده ویولن

عشق شما را به سر منزل مقصود می‌رساند

گفت‌وگو: بهروز مبصری

ویولن به مرتبه‌ای رسیده که استاد فقید ابراهیم قنبری مهر چندین بار با دست نوشته‌ی خود ساز او را مورد تایید و تمجید خود قرار داده است. ساخت ساز در خانواده‌ی اکبری ها نشر یافته و علاوه بر هوشنگ برادر و فرزندان او نیز در این رشته دارای تخصص هستند. به همین منظور با این ساز ساز هنرمند و دخترشان حمیرا اکبری گفت و گویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

درآمد: هوشنگ اکبری (متولد ۱۳۳۶) از شاگردان استاد قنبری مهر، سازنده ساز ویولن، طی سالها تلاش و ممارست به جایگاهی در بین سازندگان ساز ویولن دست یافته که قابل تقدیر است. ویولن ساخت وی از ارزش و اعتباری قابل تامل برخوردار است به طوری که آوازه‌ی آن از مرزها فراتر رفته است. تبحر و اشراف هوشنگ اکبری در ساخت ساز

و دست مرا گرفت برد پیش استاد منوچهر لشکری - ایشان یک ویولن دست من داد گفت برو داخل اتاق آرشه بکش تا من نتها را بنویسم من ویولن را خوب نگاه کردم بعد نت هارا به من یاد داد دو سه بار رفتم گفتم نمی توانم از شهرستان بیایم گفت با استعدادی ماهی یک بار بیا گفتم نمی توانم سی سال بعد رفتم دیدمش دستش را بوسیدم که اینقدر به یک هنرجو احترام گذاشته بود. در ارومیه یک آقای بود به نام شیوا، او ویولن می‌ساخت نام اصلی اش غلام حسین بزرگان بود رفتم نزد ایشان یک رنده به من داد و یک قالب، گفتم امکانات ندارم آمد منزل من دید روی یک پتو من چوب گذاشتم و با مغار دارم ویولن می‌سازم... گفت اگر عاشق باشی می‌توانی به سر منزل مقصود برسی.

چگونه با استاد قنبری مهر آشنا شدید؟

روزی یکی از دوستان در مجله‌ای خوانده بود که استاد قنبری مهر ویولنی ساخته و برده به فرانسه و داوید ایستراخ خیلی ایشان را تشویق کرده است؛ من اون موقع فکر می‌کردم استاد قنبری مهر در خارج است نمی‌دانستم در ایران است همه اش فکر می‌کردم چجوری میشه ایشان را ببینم... سال ۱۳۶۵ بود؛ در تالار وحدت بودم یک نفر از ساز من خوشش آمده بود و وصف ساز من به گوش مرحوم اتابکی رسید ایشان گفت ایکاش استاد قنبری را ببینی من بلافاصله گفتم آرزو دارم ایشان را ببینم؛ شماره اش را از دوستی گرفت داد به من... از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدم... بعد از چند روزی تلفن کردم به استاد قنبری مهر، خودم را معرفی کردم و گفتم ویولن سازم و می‌خواهم بیایم شما را ببینم.

اجازه بدهید خدمت برسیم، استاد قنبری مهر گفت شما کجا هستید من بیایم! این اولین درس بزرگی بود که به من داد؛ افتادگی و فروتنی. رفتم منزلش در زدم یک نفر در را باز کرد رفتم داخل دنبال استاد می‌گشتم که زودتر ببینمش گفتم استاد کجاست گفت خودم هستم بفرمایید شروع کردم اشک ریختن گفت چی شده؟ گفتم: آرزویم دیدن شما بود و این اشک شوق دیدارتان است.

بعد از چند دقیقه‌ای، ویولن ساخته شده را دادم به ایشان... با دقت نگاه و آن را زیر و رو کرد و نکات بسیار ظریف و دقیقی را به من گفت. حتی در مورد رنگ هم مطالبی گفت. بعد از نیم ساعتی



جناب اکبری چگونه و از چه زمانی به ساخت ساز ویولن روی آوردید؟

من در ارومیه و در روستای قامت متولد شدم؛ تا ۱۳ سالگی در روستا بودم بعد آمدیم به ارومیه... از ۹ سالگی صدای ویولن را که شنیدم عاشق صدایش شدم. در آن موقع در تلویزیون برنامه‌ای بود که سه شنبه ها پخش می‌شد به نام بشنو ازنی و هر هفته درمورد یک ساز صحبت می‌کرد یک بار صدای ویولن را پخش کرد و من حالم متغیر شد بدون اینکه استاد یا مربی دیده باشم یک ویولن ساختم که به قول استاد قنبری مهر یک جعبه بود تا ساز ویولن. سال ۵۵ رفتم سربازی تا سال ۵۷ که انقلاب شد و وضع موسیقی نابسامان شد. سال ۱۳۶۱ من راننده خاور بودم آمده بودم تهران به صورت اتفاقی در سه راه جمهوری ولی عصر آموزشگاه گام را دیدم که استاد امیر ناصر افتتاح مدیریت می‌کرد رفتم آنجا خیلی با من صحبت کرد و گفت ثبت نام کن

مهر رسیدیم آقای بهروزی نیا دوربین دستش بود فیلمبرداری می کرد استاد دست داد من دست استاد را بوسیدم ایشان هم بلافاصله دست مرا بوسید گفتم آقای بهروزی نیا فیلم را پاک کنید من اینجا یک درس گرفتم اول آنکه موفق شدم دست استاد را بوسم استاد گفت منم دست تو را بوسیدم که بی حساب شویم.

یک بار هم با آقای کندلوسی که همزمان استاد قنبری مهر بود از خارج آمده بود یکی از سازهای من دستش بود من رفتم منزل استاد آقای کندلوسی سمت چپ نشسته بود روبروی استاد صحبت می کردیم رفتم جلو که ساز را ببینم استاد قنبری مهر گفت... هوشنگ خان بیا جلو من رفتم یک دفعه دست مرا گرفت بوسید منم دست استاد را بوسیدم متوجه نبودم آقای کندلوسی داشت فیلم می گرفت وقتی آمدم بیرون حالم تغییر کرده بود به دوستم گفتم وقتی یک اثر هنری را می بینیم دست صاحب اثر را باید بوسید من اینگونه می گویم که استاد قنبری مثل یک کوه دماوند که هرچه از او دورتر می شوی عظمت و هیبتش بیشتر جلوه گری میکند تاثیر استاد قنبری به جامعه و خانواده من باعث شده دخترم هم ویولن بسازد.

آخرین دیدارتان با استاد قنبری مهر چه زمانی بوده؟ آخرین دیدار من سال ۱۳۹۹ بود _ منزل من در نزدیکی منزل استاد قنبری مهر بود در طول هفته سه چهار بار ایشان را می دیدم یک پارک زیبایی درب منزلش بود بیشتر آنجا می دیدمش. یک بار رفتم می خواستیم از مانعی رد بشویم به استاد گفتم دست مرا بگیر اگر می گفتم استاد دست شما را بگیرم هیچ وقت خودم را نمی بخشیدم خیلی مواظب بودم.

یک روز خانم استاد قنبری مهر به برادرم پرویز زنگ گفته بود که به هوشنگ بگو قلب استاد ناراحت است راه می رود وهمه اش اسم شما را می برد فردایش زنگ زد گفتند که استاد سگته کرده فعلا نیاید.

حالم خوب نبود رفتم ارومیه یاد استاد که می افتادم

اشک از چشمانم سرازیر می شد

یک شب خوابش را دیدم در همان پارک دم در منزلش بود پایین فلکه منتظر بودم استاد قنبری مهر بیاید آمد رد شد گفتم چرا من را عاشق خودت کردی من را تنها گذاشتی برگشت با خنده نگاه کرد یک مرتبه از صدای اذان صبح از خواب پریدم خیلی ناراحت شدم.

دوسه روز بعد با خانواده رفتم مسافرت ماشین تصادف کرد و دردرس، یاد استاد که می افتادم اشک می ریختم آمدم تهران عمایه بود که استاد را ندیده بودم کلافه بودم یک بار با ماشین می خواستم بروم منزل دو سه تا کوچه اشتهاهی رفتم دیدم استاد قنبری مهر با خانمش دارد راه می رود پیاده شدم رفتم جلو همیشه بهم دست می دادیم اما این دفعه همین طوری به من نگاه کرد دیدم من دارم اشک می ریزم من را بغل کرد خوابم را برایش تعریف کردم.

یک روز به من گفت استاد صبا حرف دلش را به من زد و من هم می خواهم همان حرف را به شما بگویم که حرف دل من است... استاد گفت: هر وقت خواستی بیا، تلفن کن و بیا ... بعد آمدم خانه خوشحال بودم که استاد را دیدم ... این آخرین باری بود که استاد را دیدم.

که این صحبت ها شد خودش به شوخی گفت به قدر ۵ سال به شما آموزش دادم!

بعد به ارومیه برگشتم و عشق به استاد باعث شد که با توجه به نکاتی که نزد ایشان آموخته بودم در عرض یک ماه یک ویولن جدید بسازم و بلافاصله بردم نزد استاد؛ وقتی استعداد مرا دید خوشش آمد و فقط در مورد رنگ نگانی را اشاره کرد و رنگ را برداشت و به من یاد داد که اینگونه باید رنگ را بزمنم به هر حال از آن به بعد کار آموختن را به صورت جدی نزد ایشان آغاز کردم.

ارتباط ما خیلی گرم و صمیمی شد و من همیشه به استاد می گفتم که پدرم به ما یاد داده بود تا بگردیم و انسان های بزرگ و باشخصیت را پیدا کنیم ... روح پدرم شاد و خوشحالم شد و آنچه گفته بود پیدا کردم...

آیا استاد به کارگاه شما هم آمده بودند؟

بله اتفاقاً بعد از اینکه من سالها نزد ایشان شاگردی می کردم خود ایشان گفت که من وظیفه ام می دانم بیایم کارگاه شما را ببینم... البته ایشان با همان بزرگواری همیشگی شان که درس آموز بود گفت باید بیایم کارگاه شما را مرتب کنم!

ایشان طی چند سال، سه بار به ارومیه آمدند و از صبح زود تا ۹ شب در کارگاه وقت می گذاشتند و نکات لازم را می گفتند از بس مطالب برایمان تازگی داشت خوابمان نمی برد و من و برادرم و فرزندانم شب ها تا دیروقت کار می کردیم.

از آن موقع یک نکته به یاد دارم که گفتن آن خالی از لطف نیست می دانید که امروزه اکثر کارگاهها سازسازی در زیرزمین است در حالی که در کارگاه حتما باید آفتاب بتابد زیرا که در روشنایی طبیعی است که زوایای ساز به خوبی قابل رویت است و در نور طبیعی درخشش رنگ را بهتر می توان دید.

گویا شما از استاد به اصطلاح دست خطهایی هم

گرفته اید. در مورد آن بفرمایید.

بنده خدا را شاگردم که از زمانی که نزد ایشان شروع به آموختن کردم تا زمان حیات ایشان چهار دست خط گرفتم و خودم جدای از یادگیری و آموزش تکنیک های ساز سازی که اصل داستان بود داشتن صداقت تمام با استاد را دلیل این امر می دانم چرا که ایشان خیلی به این نکات اهمیت می داد.

۳۷ سال نزد استاد رفتم درس هایی که از استاد قنبری مهر گرفتم اینگونه بود که بیشتر درس زندگی می داد لایه لایه اینها درس سازسازی هم می داد دوبار استاد قنبری مهر دست مرا بوسید. دو دوره هم در جشنواره دهه فجر در رشته ساز سازی مقام اول گرفتم.

معمولاً در فرهنگ ایرانی دست بزرگان را می بوسند هیچ بزرگی هم تا آنجا که امکان دارد اجازه نمی دهد دستش را بوسند. یكروز دختر و پسرم با آقای بهروزی نیا نوازنده برپا قرار گذاشتیم برویم خدمت استاد یک برپا ساخته بودم

قدری متفاوت بود نظر استاد برایم مهم بود صنعت من هیچ وقت به پای صنعت استاد قنبری نمی رسد وقتی محضر استاد قنبری

حمیرا اکبری ظرافت بانوانه در ساز



✽ خانم اکبری شما در خانواده‌ای به دنیا آمدید که در کار ساز سازی بودند. بفرمائید که از چه زمانی و چگونه به این کار علاقه پیدا کردید؟

من متولد ۱۳۷۶/۱/۱۶ هستم و از ۱۰ سالگی نزد پدرم کار ساز سازی را شروع کردم... علاوه بر پدر که استادم بوده، مادرم هم همیشه مشوق من بوده است. یادم هست که اولین ویولن را در سال ۱۳۹۰ ساختم که حدوداً ۱۴ ساله بودم؛ در سال ۱۳۹۲ در مجله گزارش موسیقی به عنوان اولین بانوی سازنده ویولن مصاحبه‌ای انجام دادم و استاد قنبری مهر هم یک دست خط در این زمینه به من داد. سالها بعد آقای بیژن مرتضوی هم ویولن بنده را دید و تایید کرد.

از اولی که شروع به ساخت ساز کردید تا کنون چند ویولن ساخته اید؟

تاکنون ۲۵ ویولن ساختم... به طور متوسط تقریباً سالی دو عدد ویولن می‌سازم؛ اوایل سرعت دستم خیلی کند بود چون نکات فنی بسیار ریزی را باید در زاویه‌ها - جنس چوب - پل گذاری و نکات دیگر در نظر گرفت. بعدها به صدای ساز هم خیلی دقت کردم و برایم اهمیت داشت که چه نوع صدایی از ویولن شنیده شود بهتر است من شخصاً صدای ساز زنده یاد استاد پرویز یاحقی را دوست دارم و سعی می‌کنم صدای سازم به آن سمت و سو باشد.

استاد قنبری مهر در باره ی ساز شما چه نظراتی داشت؟

در سال ۱۳۹۶ در فیلمی که موجود است استاد قنبری مهر ساز ساخته شده ام را تایید کردند. ایشان در آن فیلم چنین می‌گویند: یک مقدساتی دارم که به آن عمل می‌کنم چیزی که خوب است هیچ وقت نمی‌گویم بد است خدا را شاهد می‌گیرم این ویولن که خانم حمیرا اکبری ساخته و من قدری با آن نواختم چه از نظر

فرنگی کارها و چه از نظر ایرانی کارها این ویولن به درد می‌خورد و سونوریتیه فوق العاده عالی دارد بی نهایت عالی است هم خوب می‌خواند و هم خوش صدا است.

مهم ترین چیزی که اروپایی‌ها به ساز ویولن نگاه می‌کنند به ورنی ویولن نگاه می‌کنند که خیلی فوق العاده است که خیلی زیبا ساخته شده است خیلی خوب است بهترین است. به این عشقی که در خانواده جناب اکبری است افتخار می‌کنم که این عشق را جامعه به من داد و من هم به این خانواده دادم این ساز ویولن خودش به جامعه می‌گوید که خیلی خوب است.

تفاوت ساز شما با ساز پدر چیست؟

سعی کردم ظرافت بانوان ایرانی را در سازم پیاده کنم هر چه زمان جلو می‌رود دقت ساز سازی ام بیشتر می‌شود صدای ساز من با صدای ساز پدرم در یک راستا قرار دارد اما با ظرافت بانوان ایرانی همراه است.



واکاوی دوره‌های موسیقی از آغاز تا به امروز (تاریخ موسیقی)



علیرضا اکبرپور°

چکیده

تاریخچه موسیقی در کشورهای مختلف متفاوت است؛ اما در مقیاس جهانی، تاریخچه پیدایش اولین موسیقی هنوز مشخص نشده. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که انسان‌های اولیه برای برقراری ارتباط با یکدیگر از صدای طبیعت و حیواناتی مانند دارکوب الهام می‌گرفتند و آواهایی را تولید می‌کردند؛ یعنی تا قبل از اینکه انسان تکلم را یاد بگیرد و زبان و گفتار خلق شود، موسیقی وجود داشته و در زندگی انسان‌ها جاری بوده است. شواهد ارائه شده توسط باستان‌شناسان نشان می‌دهد که انسان از ۵ تا ۷ هزار سال پیش موسیقی را کشف کرده و با آن ارتباط دارد. طبق تحقیقات انجام شده، ریشه پیدایش این هنر جهانی به ایران، ژاپن و یونان می‌رسد. شواهد نشان می‌دهد، ژاپنی‌ها همراه با خورشیدگرفتگی آواز می‌خوانند تا او را شاد کنند. چون ساکنین این کشور معتقد بودند خورشید ناراحت شده و گرفته است و فقط موسیقی می‌تواند او را دوباره تابان و درخشان کند. موسیقی به یک قوم و قبیله و دین و مذهب مربوط نمی‌شود. بلکه تمام مردم جهان به نوعی از موسیقی در زندگی خودشان استفاده می‌کنند. به عنوان مثال بودایی‌ها رقص و آوازهای مخصوصی را برای مراسم‌های مذهبی خودشان داشته‌اند و یهودی‌ها نیز موسیقی‌های خاص خودشان را دارند. موسیقی پررمز و رازترین هنری است که رویارویی مستقیم هنرمند و مخاطب او را فراهم می‌کند و به راحتی بر ذهن و روان و قلب مخاطب اثر می‌بخشد. این هنر باستانی و کهن از دیرباز دست‌آویز حکومت‌ها و هنرمندان برای همراه کردن آحاد جامعه جهت نیل به هدفی خاص بوده است. بهره‌گیری از هنر موسیقی در طول تاریخ در مراسمات مختلف آیینی، مذهبی، نظامی و ... چنان حضور پررنگی داشته که در کنار قدیمی‌ترین آثار باستانی کشف شده در کهن‌ترین اقامتگاه‌های انسان می‌توان سنگ‌نشته‌ها و یا آلات موسیقی متعلق به آن زمان‌ها را مشاهده نمود. این هنر نیز مانند سایر هنر‌ها و علوم دیگر برای رسیدن به مرتبه حال حاضر نیاز به یک پروسه و سیر پیشرفت و مهم‌تر از همه یک خاستگاه مکانی و زمانی دارد که در آن شکل گرفته باشد و مسیر تکامل و تعالی خود را در آن بستر ببیند. در همین راستا پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از شیوه‌نامه کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش توصیفی-تفسیری به کنکاش پیرامون این مسئله بپردازد و در بازه‌های زمانی مختلف سیر تکامل آن را دنبال کند.

واژگان کلیدی: موسیقی، ایران، تاریخ، خاستگاه، خانه موسیقی.

مقدمه

تفاوتی از آن استفاده می‌کردند نوعی موسیقی پایه‌ای و اولیه به حساب می‌آید. اما شاید جالب باشد که بدانید طبق برخی گفته‌ها، در ابتدا صدای نی‌هایی که در نی‌زارها به هم برخورد می‌کردند، نظر انسان‌های آن دوره را به خود جلب کرده و آن‌ها از نی برای ایجاد صدا استفاده می‌کردند که به نوعی می‌توان آن را اولین ساز موسیقی نیز دانست.

موسیقی یک زبان بین‌المللی است که مردم دنیا را دور هم جمع می‌کند. هر فرهنگی فهرستی از ملودی‌ها، آوازها، رقص‌ها و در برخی موارد آلات موسیقی خاص خود را دارد. سخت است بگوییم که انسان در چه مرحله‌ای از تکامل خود شروع به استفاده از موسیقی و توسعه‌ی آن کرده اما با رواج موسیقی در میان قبیله‌های سنتی و دور افتاده‌ی امروزی می‌توان حدس زد که استفاده انسان از موسیقی تاریخچه‌ی بسیار قدیمی دارد و در

اولین سوال در حین مطالعه تاریخچه موسیقی بدون شک این خواهد بود که اصلاً موزیک و موسیقی در چه قرن‌ی به وجود آمد. این که آیا انسان‌های اولیه با سازها و موسیقی آشنا بوده‌اند یا خیر موردی است که تاکنون نیز تایید نشده است؛ اما محققین بر این باور هستند که پیدایش انواع ابتدایی موسیقی به ابتدای خلقت انسان برمی‌گردد. برخی پژوهشگران در خصوص این که موسیقی چگونه به وجود آمده است نیز با یکدیگر دچار اختلاف نظرهایی هستند. اما آنچه که واضح است این است که حتی پیش از شناخت قدرت تکلم توسط انسان‌ها، آن‌ها به نوعی با موسیقی و آواهای مختلف آشنا بودند و از آن استفاده می‌کردند. درست است که در آن زمان موسیقی به معنای امروزی وجود نداشت، اما به هر حال نوا و آوایی که انسان‌ها در همان ابتدا برای کارهای

* کارشناس ارشد موسیقی، گرایش آهنگسازی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، (آهنگساز و مدرس دانشگاه)

alirezaakbarpour.composer@gmail.com



را به شما یادآور شویم که از اولین انسان هایی که به آموزش موسیقی علاقه مند شدند و آن را درک کردند و به کار گرفتند، اطلاعاتی نمی توان به دست آورد. بنابراین تاریخچه موسیقی را به طور دقیق نمی توان به یک زمان خاص نسبت داد. ولی بر طبق حدسیات مبدأ تاریخ موسیقی به ابتدای خلقت انسان برمی گردد. همچنین درباره چگونگی پیدایش موسیقی میان محققان اختلاف نظر وجود دارد. اما چیزی که در تاریخچه موسیقی مسلم به نظر می رسد، این است که انسان قبل از آنکه تکلم و صوت را آموخته باشد با هنر موسیقی کم و بیش آشنا بوده زیرا وزن ها و آهنگ ها و حتی آواهایی که از حنجره اش بیرون می آمده است جز نخستین گام ها در راه پیدایش و ظهور تاریخ موسیقی بوده است. مسلم است که اول از همه چیز وزن وجود داشته و سپس صوت به وجود آمده است. همچنین در مورد پیشرفت سازها در تاریخچه موسیقی می توان گفت که سازهای موسیقایی ابتدا از استخوان و سپس از وسایل زهی مانند روده و تارهای گیاهی و در آخر از سیم ساخته شده اند.

نکته قابل توجه این است که تاریخچه موسیقی همواره راه کمال را پیموده و مراسم های مذهبی، روحانی و رقص را تحت الشعاع خود قرار داده است. بررسی تاریخ موسیقی این گونه بیان می کند که در قرن ششم جدید بیشتری یافته و توسط فیثاغورس با ریاضیات در آمیخته است. تا جایی که نوسان و فرکانس های آن فرم محاسباتی پیدا کرده است.

تاریخچه

با این که انسان ها در اولین نسل های خود توانستند به نوعی از ابزارهایی همچون نی و استخوان برای تولید صدا استفاده کنند، اما به هر حال شروع رسمی موسیقی و شناخت آن نیز برای علاقه مندان اهمیت زیادی دارد. باستان شناسان آلات موسیقی بسیاری در مناطق مختلف کشف کردند که مربوط به سال های بسیار دوری است. اما وسیله کشف شده کاملاً برای نواختن ساز ساخته شده بود؛ از فلوت هایی با جنس استخوان پرنده گان گرفته تا

اوایل دوران پیدایش انسان از این هنر استفاده می شده است. عصب شناسان پس از تحقیقات بسیار دریافته اند که نواختن انواع آلات موسیقی بیشتر از هر فعالیت دیگری اجزای مغز انسان را تحریک می کند. این موضوع باعث می شود که ارتباطات جدیدی بین اجزای مختلف مغز پدید آید که در نهایت هوش بیشتر و عکس العمل سریع تر به هر چیزی را در پی خواهد داشت. موسیقی، مجموعه آواهاییست که احتمال می رود از قبل پیدایش قدرت تکلم، در میان انسان ها به وجود آمده باشد. موسیقی را می توان از جمله هنر هایی دانست که شاید اندک شمار به آن علاقه ای نداشته باشند. مطابق با اکتشافات تاریخ شناسان، این هنر انسانی به ۵ الی ۷ هزار سال پیش باز می گردد. پیش بینی می شود که در کل جهان این هنر وجود داشته است، اما اصلی ترین شمایل آن مربوط به جغرافیای ایران، ژاپن و یونان می باشد. همچنین در این کشورها، قدمت موسیقی بیش از قدمت آن در سایر کشورها عنوان شده است. در تاریخ کشور ژاپن گفته می شود که آن ها در هنگام خورشید گرفتگی، آواز می خواندند. زیرا که معتقد بودند، خورشید ناراحت شده و با آواز خواندن او را شاد می کردند.

لازم است بدانید که تاریخ موسیقی به مذهب و دین خاصی محدود نیست و همه مذاهب به موسیقی علاقه نشان داده اند. به طوری که بوداییان در کتاب های مذهبی خود از یک نوع موسیقی خاص استفاده می کردند. همچنین اعمال مذهبی آن ها با رقص و آواز همراه بود. در آیین یهودی نیز اثری از موسیقی به چشم می خورد و گفته می شود که حضرت داوود با صدای خوش خود، نقش موثری در تکمیل تاریخ موسیقی داشته است. این موسیقی که تنها به طور آوازی خوانده می شد، در سال ۹۳۰ با حروف الفبای نوظهور، ادغام شد و در نهایت نت های امروزی که شامل دو، ر، می، فا، سل، لا، سی می باشد، در سال ۱۴۵۰ اختراع شد.

موسیقی در آغاز

پیش از هر چیز در مورد تاریخچه موسیقی باید این موضوع

او تفاوت بین دامنه ارتعاش سیم اول و دوم را اکتاو نامید و سپس اکتاو را به دوازده قسمت مساوی تقسیم کرد. هر نقطه دور دایره به یک نت اختصاص یافت که ارزش هر نت دقیقاً معادل ۱۲/۱ اکتاو بالاتر یا پایین تر از نت کناری اش بود. تنها مشکل چرخه فیثاغورس این بود که او موسیقی دان نبود. حتی با اینکه چرخه از نظر ریاضی درست بود و یک پیشرفت شگفت انگیز به حساب می‌آمد، برخی از کوک‌هایی که او پیشنهاد داد به گوش خوشایند نبود.

تاریخچه موسیقی جهان

تاریخ موسیقی جهان به سال‌ها پیش باز می‌گردد. در اثر اکتشافات باستان‌شناسی برخی آلات موسیقی یافت شده که ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال سابقه تاریخی دارد. بودائیان کتب مذهبی خود را با نوعی موسیقی می‌خواندند و آداب مذهبی آن‌ها همراه رقص و آواز بوده است. موسیقی کم‌کم راه کمال پیمود و در سال ۹۳۰ میلادی تقسیمات تازه‌ای یافت و با حروف الفبا ادغام شد. تا اینکه سرانجام در سال ۱۴۵۰ میلادی نت تکمیل شد و در چهار خط موازی گنجانده شد (دو، ر، می، فا، سل، لا، سی).

دوره‌های موسیقی دوران اولیه

اولین دوران به رسمیت شناخته شده در موسیقی کلاسیک دوره رنسانس بود که از حدود سال ۱۴۰۰ آغاز شد. با این حال، قبل از آن ژانرهای مختلف موسیقی وجود داشت و بسیاری از آن‌ها پایه ژانرهای موسیقی آینده شد. سقوط روم باستان و یا همان انحطاط امپراتوری روم در حدود ۱۹۰ قبل از میلاد شروع شد و تا سال ۴۷۶ بعد از میلاد، هنگامی که آخرین امپراتور روم، رومولوس آگوستولوس از قدرت کنار گذاشته شد، ادامه یافت. معمولاً دوره اولیه در این نقطه شروع می‌شود و تا ۱۴۰۰ میلادی ادامه می‌یابد. تقریباً همه چیزهایی که در این دوره ساخته شده اند برای صدای انسان بوده است و این به دلیل تأثیر کلیسا و ساخته نشدن بسیاری از آلات موسیقی بوده است.

آلات موسیقی که در دوران اولیه مورد استفاده قرار می‌گرفتند شامل فلوت رکوردرها، ترومپت و بگ پایپ بوده است. وسیله‌ای به نام shawm نیز در این دوران بسیار محبوب بود که نوعی ابوا ابتدایی بود. و در آغاز رنسانس، نسخه‌های اولیه سازهای کلاویه دار همانند هارپسیکورد ظاهر شد. پیشرفت‌های چاپ در این دوره به گسترش ابزارهای موسیقی بسیار کمک کرد. برای اولین بار، تولیدکنندگان توانستند توضیحاتی در مورد ابزارهای خود منتشر کنند.

آهنگسازان برجسته در این دوران (Guido d'Arezzo متولد سال ۹۹۱) و Hildegard of Bingen (متولد ۱۰۹۸) و Guillaume de Machaut (متولد ۱۳۰۰) بودند.

دوران رنسانس

رنسانس از قرون وسطی ادامه یافت و برای موسیقیدانان دوران کشف، نوآوری و اکتشاف بود در واقع رنسانس به معنی

دفاها و چنگ‌های متنوع. شاید جالب باشد بدانید کشورهای ایران، یونان و ژاپن به عنوان قدیمی‌ترین کشورهای شناخته شده‌اند که مردمان آن‌ها از انواع آلات موسیقی برای نواختن استفاده می‌کردند. موسیقی در غرب نیز در قرون وسطی وارد کشورهای بسیاری شد و بسیار اوج گرفت. در آن دوره هم موسیقی مذهبی و هم غیرمذهبی مورد توجه قرار گرفته بود. اما موسیقی رنسانس در غرب در بین سال‌های ۱۴۵۰ تا ۱۶۰۰ میلادی اتفاق افتاد که شروع تحولات موسیقی در آن بخش نیز بود.

موسیقی کلاسیک که همچنان در غرب طرفداران خاص خود را دارد و یکی از دوران طلایی موسیقی غرب نیز به شمار می‌رود در بین سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۱۰ حکم‌فرمانی می‌کرد. سپس موسیقی رمانتیسیم در قرن ۱۹ و موسیقی قرن بیستم با تکنیک‌ها و سازهای جدید پا به عرصه تاریخچه موسیقی گذاشتند. علاوه بر غرب در کشورهای دیگری همچون چین، موسیقی قدیمی برابر با ۴۵۰۰ سال دارد. در بسیاری از منابع آورده شده که پادشاهان گذشته در آن زمان دستور می‌دادند که افراد با الگو گرفتن از



صدای حیوانات، نواهای گوش‌نوازی را اجرا کنند. کشورهای ژاپن و یونان نیز از کشورهای هستند که قدمت موسیقی و اجرای آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد. حتی ژاپنی‌ها هنوز نیز رسم گذشته‌گان خود را فراموش نکرده‌اند و بعد از خورشید گرفتگی همواره آواز سر می‌دهند که خورشید زودتر نمایان شود!

تأثیر فیثاغورس بر تاریخ موسیقی

فیثاغورث یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان ریاضی جهان است که تصمیم گرفت تا ارتباط میان موسیقی و ریاضی را به دست آورد. او مطابق با قواعد ریاضیات، دامنه ارتعاشات یک سیم در ساز چنگ را در ابتدا اندازه گرفت. سپس سیم را نصف کرد و دامنه را برای بار دوم اندازه گرفت. فیثاغورث اختلاف میان این دو عدد را اکتاو نامید و با تقسیم نمودن آن به عدد ۱۲، نت‌های جدیدی را خلق کرد. متأسفانه این چرخه به وجود آمده از نظر قواعد ریاضی درست بود، اما برخی از نت‌ها و کوک‌های او گوش‌خراش عنوان شد.

طبق افسانه‌هایی که از تاریخچه موسیقی در دست است، فیثاغورس یک سیم چنگ را برداشت، آن را به صدا درآورد، آوا و دامنه ارتعاش اش را اندازه گرفت، بعد سیم را از وسط نصف و دوباره اندازه گیری کرد.

کلاسیک در تاریخ موسیقی به طور خاص به دوره‌ای اشاره می‌کند که آهنگسازانی مانند هایدن، موتزارت و بتهوون در آن حضور پر رنگی داشتند و سمفونی‌های زیبا و اپراهای کمیک می‌ساختند.

این سبک جدید در موسیقی همزمان با عصر روشنگری شکل گرفت و زمانی بود که تغییرات بنیادی در ارزش‌های اجتماعی با تمرکز بر حقوق بشر و آزادی مذهب ایجاد شد. سبک معماری این دوران یادآور روم باستان و یونان بود و شاید از این رو اصطلاح "کلاسیک" را برای این دوران به کار می‌برند.

در این دوره ارکسترها تغییرات بزرگی را پشت سر گذاشتند و دیگر تنها هارپسیکورد یا ارگ پایه موسیقی آنها نبود و سازهای بادی مانند ترومپت، کلارینت، فلوت و ابوا برای ایجاد صدایی جدید و متمایز به ارکسترها جانی تازه دادند. مهمترین نوع موسیقی یعنی سمفونی در این دوران متولد شد و با تنظیم‌های ارکسترال به سرعت توسعه یافت. سمفونی از یک قالب استاندارد و ۳ موومان تشکیل می‌شد که موومان اول با تمپو سریع، موومان میانی آهسته

"تولد دوباره" است. این دوره در موسیقی از ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ ادامه یافت. در قرون وسطی، موسیقی تحت سلطه کلیسا بود. بیشتر موسیقی‌های ساخته شده برای استفاده‌های مذهبی بود. اگرچه بیشتر موسیقی در دوران رنسانس مذهبی باقی ماند، اما کنترل سیاسی کلیسا بر جامعه به این معنی بود که آهنگسازان از آزادی بیشتری برخوردار بودند که تحت تأثیر هنر، اساطیر کلاسیک و حتی نجوم و ریاضیات قرار بگیرند و اختراع ماشین چاپ به این معنی بود که موسیقی می‌تواند برای اولین بار منتشر و توزیع شود. اکثر موسیقی‌هایی که در این دوره نوشته شده اند، به عنوان قطعات کرال در کلیسا یا به عنوان آهنگ خوانده می‌شدند. اما موسیقی غیر آوازی نیز در این دوره شکوفا شد. در اوایل رنسانس، بیشتر آهنگسازان از شمال فرانسه یا کشورهای پایین اروپا آمده بودند، جایی که حمایت دادگاه‌ها از آنها بسیار قوی بود. بعدها، تمرکز از منطقه آلپ فراتر رفت، زیرا دوران شکوفایی در سیستم دولت شهر ایتالیا آغاز شد و بسیاری از آهنگسازان شمالی برای یافتن ثروت خود به جنوب آمده بودند.

در این دوره آهنگسازان ایتالیایی نیز شروع به ظهور کردند. در کلیسای سنت مارک، ونیز، آندره و جیووانی گابریلی قطعات باشکوهی را برای گروه کر بزرگ و ارکسترال نوشتند. در رم، آگری و پالستینا آخرین آهنگسازان بزرگ دوران رنسانس بودند که آثار زیبایی را نوشتند که هنوز هم این آثار گوش نواز می‌باشند.

دوران باروک

دوره باروک به دورانی اشاره دارد که در حدود ۱۶۰۰ آغاز شد و در حدود ۱۷۵۰ به پایان رسید و شامل آهنگسازانی مانند باخ، ویوالدی و هندل بود که در سبک‌های جدیدی مانند کنسرتو و سونات پیشگام بودند. دوره باروک به معرفی سبک‌های مختلف از جمله کنسرتو، سوناتا و اپرا شناخته شده است. قدرت کلیسا در این دوران بسیار کم شد و این به این معنی بود که موسیقی غیر مذهبی اکنون می‌توانست شکوفا شود به ویژه موسیقی ارکسترال و ایده این که سازها باید به صورت استاندارد گروه بندی شوند در این دوره شکل گرفت و اولین نسخه ارکستر در این دوره ایجاد شد.

سبک مهمی از موسیقی که در دوران باروک به شکوفایی رسید کنسرتو بود و دو تن از بزرگترین آهنگسازان این سبک کورلی و ویوالدی بودند. اپرا آهنگسازان را تشویق کرد تا روش‌هایی برای نشان دادن حالات در موسیقی خود ارائه دهند. تأثیرگذاری بر احساسات شنونده در این دوره به یک هدف اصلی در آهنگسازی تبدیل شد. اپرا در فرانسه و انگلستان گسترش بیشتری یافت و آهنگسازانی مانند رامو، هندل و پرسل قطعات زیبایی را در این سبک نوشتند. باخ که به عنوان یکی از بزرگترین نوابغ تاریخ موسیقی شناخته می‌شود متعلق به این دوره بود.

دوران کلاسیک

دوره کلاسیک از سال ۱۷۵۰ آغاز شد و تا ۱۸۳۰ ادامه یافت این دوره شامل آهنگسازانی مانند هایدن، موتزارت و بتهوون می‌شد و روسینی و پاگانینی نیز در این دوره شناخته شده بودند. دوران

کشورهای ایران، یونان و
ژاپن به عنوان قدیمی ترین
کشورهایی شناخته شده‌اند
که مردمان آن‌ها از انواع
آلات موسیقی برای نواختن
استفاده می‌کردند

و موومان آخر با تمپو سریع به پایان میرسید. در این دوران سمفونی به وسیله‌ای شناخته شده برای بیان ارکستر تبدیل شد. همراه با شکل‌گیری ارکستر، کوارتت زهی نیز در این دوران به وجود آمد که متشکل از دو ویولن، ویولا و ویولنسل بود. مهمترین قطعات انفرادی در دوران کلاسیک سونات‌ها بودند که برای هر ساز انفرادی نوشته می‌شدند اما مهمترین آنها برای پیانو بود. عصر کلاسیک تحت سلطه دو آهنگساز بزرگ یعنی هایدن و موتزارت بود که در وین زندگی می‌کردند. هایدن قطعات فوق العاده‌ای برای کورال، اپرا و ارکستر نوشت اما سمفونی‌ها بزرگترین دستاورد او بودند. در سالهای پایانی قرن ۱۸ بتهوون ظهور کرد که موسیقی را به شیوه‌ای که از موتزارت و هایدن به ارث برده بود شروع کرد. او سرانجام از آن‌ها پیشی گرفت و از سبک کلاسیک فراتر رفت و آغازگر دوران رمانتیک در موسیقی شد.

دوران رمانتیک

دوره رمانتیک در حدود ۱۸۳۰ شروع شد و در حدود ۱۹۰۰ به پایان رسید. در این دوران قطعات موسیقی به طور فزاینده‌ای



ظهور هنرمندان برجسته‌ای مانند پاوروتی و کلاس شد. موسیقی در قرن بیستم به دلیل شرایط سیاسی، پیشرفت تکنولوژی و تغییرات بزرگ در سبک، به طور چشمگیری تغییر کرد. بسیاری از آهنگسازان که تلاش می‌کردند تا موسیقی نسل‌های گذشته را بیشتر بسازند، در برابر گرایش‌های موسیقی ثابت واکنش نشان دادند و فرم‌ها و سبک‌های جدید هیجان‌انگیزی خلق کردند.

موسیقی در این دوران به شدت تحت تأثیر رویدادهای سیاسی عظیمی بود که اروپا را در اواسط قرن بیستم تکان داد. شوستاکوویچ، به ویژه، تحت تعقیب رژیم شوروی قرار گرفت زیرا که موسیقی او بیش از حد برای رژیم شوروی مدرن بود به این معنی که او مجبور شد در دو سبک بنویسد یعنی سمفونی برای مقامات، و آثار کوچکتر مانند کوارتت‌های زهی که سبک خود او را داشت.

وقایعی مانند هولوکاست، هیروشیما و جنگ جهانی دوم بسیاری از آهنگسازان پس از جنگ را متقاعد کرد که باید گذشته را پشت سر بگذارند و روشهای خلاقانه تری را بیابند. آهنگسازان آمریکایی مانند جورج گیرشونین و دوک الینگتون شروع به طراحی موسیقی عامیانه خود یعنی جاز کردند. موسیقی فولکلور همچون منبع الهام بزرگی برای آهنگسازانی مانند وان ویلیامز، بارتوک و مسیان بود.

مدرنیسم در موسیقی درباره رادیکال بودن و متفاوت بودن بود. برای اولین بار، موسیقیدانان و تماشاگران متوجه شدند که موسیقی نباید محدود به سنت باشد، اما این ایده تا سال ۱۹۶۰ ادامه یافت. نسل بعدی آهنگسازان پالت وسیع تری از رنگ‌های موسیقی برای کار را در دست داشتند. استیو رایش، فیلیپ گلس، مایکل نیمن و جان آدامز از مینیمالیسم حمایت کردند و مرزهای موسیقی را شکستند و همچنین محبوبیت زیادی در میان مردم به دست آوردند. موسیقی آنها منعکس کننده پیشرفت‌های موسیقی و فناوری است و گاهی شامل عناصر جاز و راک می‌باشد.

بیانگر و مبتکرانه بودند. سمفونی‌ها، سونات‌های پیانو، اپراهای نمایشی و آهنگهای پرشور از هنر و ادبیات الهام گرفته بودند. از آهنگسازان مشهور در دوران رمانتیک می‌توان به چایکوفسکی، برامس، مالر و وردی اشاره کرد.

این دوران به دلیل انرژی و احساس شدید در قطعات موسیقی معروف است زیرا که فرم‌های سخت موسیقی کلاسیک جای خود را به بیان بیشتر داد و موسیقی به هنر، ادبیات و تئاتر نزدیکتر شد. در این دوران بود که ویرتوزها پدید آمدند و از میان آنها میتوان لیست و شوپن را نام برد. در دنیای اپرا، وردی بود که در اواسط دوران رمانتیک خود را نشان داد. او با معرفی مطالب موضوعی جدید، اغلب با موضوعات اجتماعی، سیاسی یا ملی گرایانه به اپرای ایتالیایی پر و بال داد و قطعات را با رویکردی مستقیم در آهنگسازی ترکیب کرد.

ریچارد واگنر آلمانی نقشی کلیدی در توسعه اپرا ایفا کرد. قبل از واگنر، اکشن و موسیقی اپرا به قطعات کوتاه تقسیم می‌شد و بیشتر شبیه یک نمایش موسیقی مدرن امروزی بود. ایده‌های واگنر بیشتر موسیقی را تحت سلطه خود داشت، از سمفونی‌های بزرگ بروکنر و مالر گرفته تا اشعار و اپراهای قهرمانانه ریچارد اشتراوس، حتی به ایتالیا رسید، جایی که وردی و پوچینی بر اساس بسیاری از قوانین واگنر شروع به تولید اپرا کردند. ایده‌ها و ترکیبات این قطعات بیش از حد عجیب و مبتکرانه بودند تا زمانی که قوانین موسیقی باید بازنویسی می‌شد و صحنه بزرگترین تغییر موسیقی در قرن‌ها یعنی دوران مدرنیسم آغاز شد.

قرن بیستم و بعد از آن

تاریخ و سیاست قرن بیستم الهام بخش بسیاری از سبک‌های موسیقی بوده است که بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۹ توسعه یافته و توسط آهنگسازانی از الگار و بریتن، تا استراوینسکی، گیرشونین و جان ویلیامز ادامه یافته است. با پیشرفت تکنولوژی امکان ضبط موسیقی کلاسیک و جاز وجود داشت که به نوبه خود منجر به

اشرافیت و قدرت حکومت‌های اروپایی بوده‌است. نیاز کلیسا برای جذاب‌تر کردن نیایش نیز در گسترش این سبک تأثیر بسیاری داشته‌است. یکپارچگی در حالت موسیقی از ویژگی‌های موسیقی این دوره است.

از معروف‌ترین موسیقی‌دانان این سبک می‌توان باخ و ویوالدی را نام برد.

دوره کلاسیک

دوره کلاسیک سال‌های ۱۷۳۰ تا ۱۸۲۰ م را شامل می‌شود. قرن هجدهم مصادف بود با جریان روشن‌فکری یا آزادی اندیشه از بند خرافات، که در آن طغیانی علیه متافیزیک و به نفع احساسات معمولی و روانشناسی تجربی و عملی، علیه آیین و مراسم تشریفاتی اشرافی و به نفع زندگی طبیعی و ساده، علیه خودکامگی و به نفع آزادی فردی، علیه امتیازات و حق ویژه و به نفع حقوق مساوی مردم و تعلیم و تربیت همگانی صورت گرفت. در این دوره، برای اولین بار در موسیقی، این فکر ظهور کرد که موسیقی در حقیقت همانند دیگر هنرها مقصود و هدفی ندارد، بلکه صرفاً به‌خاطر خودش وجود دارد؛ یعنی موسیقی برای خود هنر موسیقی موجودیت می‌یابد. پس از دوره کلاسیک با هنر موسیقی برپایه ایده «هنر به‌خاطر هنر (هنر برای هنر)» برخورد می‌شد. هنر در این دوران، بیشتر متوجه سادگی است تا تزئینات ماهرانه دوران باروک، ولی در زمینه موسیقی، این رویکرد به‌عکس اتفاق می‌افتد. برخلاف دوره باروک، در دوران کلاسیک، حالت‌های مختلف و متضادی در ارائه احساس در موسیقی وجود دارد. بافت موسیقی کلاسیک نیز بیشتر هموفونیک است تا پلی فونیک. از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان از هایدن، موتزارت و بتهوون نام برد.

دوره رمانتیک

سبک رمانتیک سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۰ م را شامل می‌شود. در این دوره، احساسات نقش بسزایی در موسیقی پیدا می‌کند. موسیقی در این دوره به‌صورت ابزاری در دست آهنگساز مطرح کردن احساسات شخصی اوست. معروف‌ترین آهنگ‌سازان و موسیقی‌دانان این سبک شوپن، لیست و مندلسون هستند.

موسیقی قرن بیستم

این دوره را دوره مدرنیسم یا نوگرایی موسیقی کلاسیک می‌دانند. آهنگسازان این دوره هرچه بیشتر سعی کردند تا کارهای خود را از سبک‌های گذشته متمایز و از باورها و قانون‌های گذشته عبور کنند.

موسیقی معاصر

موسیقی معاصر از سال ۱۹۷۰ م آغاز شده‌است و تاکنون ادامه دارد. آهنگ‌سازان معاصر بیشتر به ساختن موسیقی مینیمال و آوانگارد به نوعی مشابه جریان نوگرایی در سایر هنرها روی آورده‌اند.

محبوبیت موسیقی فیلم و بازی‌های ویدیویی نیز در اواخر این عصر افزایش یافت و موسیقی متن فیلم‌هایی همچون E.T.، جنگ ستارگان، هری پاتر و ارباب حلقه‌ها بر موسیقی کلاسیک تأثیر گذاشت.

مبانی موسیقی

اصطلاح موسیقی کلاسیک (Classical music) اصطلاحی عام است که به موسیقی هنری اروپا اطلاق می‌شود. آغاز حیات این موسیقی را از سده‌های میانه در حدود سال ۵۰۰ م می‌دانند که در دوره‌های مختلف تاریخی تا به امروز به عناوین مختلف جریان داشته است.

دوره‌های موسیقی غربی

موسیقی کلاسیک را از نظر سبک و تحوّل تاریخی آن به چند دوره کوچک‌تر تقسیم کرده‌اند:

موسیقی سده‌های میانه (قرون وسطی)

این دوره با سقوط امپراتوری روم شروع و تا رنسانس در اروپا ادامه می‌یابد. این دوره، دوره شروع و آغازین گام‌های موسیقی کلاسیک است.

برخلاف دوره باروک، در دوران کلاسیک، حالت‌های مختلف و متضادی در ارائه احساس در موسیقی وجود دارد. بافت موسیقی کلاسیک نیز بیشتر هموفونیک است تا پلی فونیک. از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان از هایدن، موتزارت و بتهوون نام برد

موسیقی رنسانس

در این دوره، که شامل سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ م می‌شود، موسیقی کلاسیک به‌طور عمده در ایتالیا شکل گرفت و بیشتر قطعات آثار آوازی هستند.

موسیقی دوره باروک

این دوره از سال ۱۶۰۰ م شروع می‌شود و تا حدود ۱۷۶۰ م ادامه می‌یابد. لغت باروک در عالم هنر (نه فقط موسیقی) معادل استادانه زینت دادن و یا ماهرانه درست کردن به کار می‌رود که از مشخصات بارز هنر این سال‌ها بوده‌است. موسیقی این دوره، همانند سایر هنرهای هم‌عصر خود، بیانگر

تاریخچه موسیقی ایران

تاریخچه موسیقی ایران را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد:

موسیقی دوران قبل از اسلام:

از مجسمه‌های به دست آمده در قلمرو ایرانیان باستان، در سرزمین شوش، سازی شبیه تنبور امروزی مشاهده می‌شود که نماد یک ساز ملودیک در آن زمان‌ها است. در حجاری‌های طاق بستان نیز آثاری از گروه نوازی چنگ و سازهای بادی مشاهده می‌شود. بیشتر اطلاعات ما از تاریخچه موسیقی در ایران و به خصوص دوران پیش از اسلام، محدود به کتب تاریخی و اشعار سده‌های اول دوران اسلامی است. در هر حال ما اطلاعات دقیقی از موسیقی کاربردی و نحوه اجرای دقیق موسیقی در آن دوران نداریم.

تاریخچه موسیقی سنتی ایران

به طور کلی اگر بخواهیم به اطلاعاتی از دستگاه‌ها و تاریخچه موسیقی سنتی ایران اشاره کنیم باید بگویم که یک دستگاه موسیقی از نظر قالب، قطعه‌ای کامل است و مانند سونات و سمفونی دارای قواعد و قسمت‌های مختلفی است که با ساز و آواز اجرا می‌شود. در موسیقی غربی، معمولاً قطعاتی که بوسیله ساز یا ارکستر نواخته می‌شود با موسیقی آوازی فرق دارد؛ اما در دستگاه موسیقی ایرانی، آواز قسمت اصلی و مرکزی موسیقی است و قسمت‌های پیشین آواز (پیش درآمد و چهارمضراب) و قسمت‌های بعدی آواز (تصنیف و رنگ) در حقیقت به طور مقدمه یا خاتمه موسیقی، به آن بستگی دارد.

هر دستگاه از تعداد بسیاری گوشه موسیقی تشکیل شده است. معمولاً اجرا از درآمد دستگاه آغاز شده، به چهارمضراب و گوشه اوج یا مخالف دستگاه می‌رسد و سپس با فرود به گوشه‌های پایانی و تصنیف و سپس رنگ به پایان می‌رسد. در تاریخچه موسیقی سنتی ایران از هفت دستگاه و پنج یا شش آواز نام برده شده است همان‌طور که خوانندید موسیقی، این هنر جدانشدنی از زندگی ما انسان‌ها، قرن‌ها دستخوش تغییر شده و مسلماً در آینده نیز همین‌طور خواهد بود. پس می‌توان گفت که توجه به تاریخ موسیقی جهان و از آن مهم‌تر تاریخچه موسیقی ایران به شما کمک خواهد کرد درک بهتری از موسیقی داشته و قدر موسیقی اصیلی که اکنون به ما ارث رسیده است را بهتر بدانیم. خوشبختانه، امروزه توجه به موسیقی سنتی ایرانی و شناخت تاریخچه موسیقی سنتی ایران، نسبت به قبل رواج بیشتری یافته و امیدواریم که این روند همین‌طور ادامه پیدا کند.

تاریخ موسیقی در ایران

اما در انتها بد نیست نگاهی به تاریخچه موسیقی کشورمان نیز داشته باشیم. همان‌طور که گفته شد با توجه به آثار به جای مانده از گذشته، محققین به این نتیجه رسیده‌اند که ایرانیان از اولین کسانی بودند که به وسیله سازها و ابزار مختلف، موسیقی را می‌نواختند. آثاری در چغامیش خوزستان کشف شده که به سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ بر می‌گردد و بیانگر اجرای گروهی موسیقی به وسیله سازهایی مانند شیپور و چنگ است. اما پس از حمله اعراب به ایران موسیقی محدودیت شدیدی را تجربه کرد. سپس در زمان خلیفه‌های عباسی، مجدداً پیشرفت موسیقی در ایران آغاز شد. این تکامل تا به امروز نیز ادامه داشته است و بسیاری از افراد جامعه هنوز هم به سازها و نواهای سنتی ایران

با به روی کار آمدن بنی امیه
حدوداً موسیقی آزادی بیشتری
پیدا کرد و از این دوران تا دوران
خلفای عباسی دوره اوج شکوفایی
موسیقی نظری و عملی ایران و
اسلام است؛ که در این دوران
اساتیدی چون فارابی، ابن سینا،
خواجه نصیرالدین طوسی و
بسیاری افراد دیگر در موسیقی
عملی و نظری ظهور کردند و به
تاریخچه موسیقی ایران رونق
بخشیدند

موسیقی دوران بعد از اسلام:

با توجه به اطلاعاتی که از تاریخچه موسیقی ایران در دوران پس از اسلام در دست است. می‌توان گفت که در دوره بعد از فتح ایران توسط اعراب تا آخر دوره خلفای راشدین، انواع موسیقی ممنوع بوده است. با به روی کار آمدن بنی امیه حدوداً موسیقی آزادی بیشتری پیدا کرد و از این دوران تا دوران خلفای عباسی دوره اوج شکوفایی موسیقی نظری و عملی ایران و اسلام است؛ که در این دوران اساتیدی چون فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و بسیاری افراد دیگر در موسیقی عملی و نظری ظهور کردند و به تاریخچه موسیقی ایران رونق بخشیدند. در هر حال با ظهور تشیع در ایران و به روی کار آمدن شاهان صفوی موسیقی در ایران رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت و از موسیقی که در دوره‌های قبل کاربرد داشت دور شد و رنگ ملی و ایرانی به خود گرفت؛ تا جایی که در دوره قاجاریه این روند به

و شکل‌گیری چندصدایی‌ها اشاره کرد. همچنین در موسیقی کلاسیک غربی، تئوری موسیقی از اصلی‌ترین مسائلی بود، که موسیقی دان‌ها به آن توجه ویژه‌ای داشتند. می‌توان گفت بیشترین تغییر این موسیقی به دوران پس از رنسانس باز می‌گردد. به طور کلی تاریخ موسیقی کلاسیک به چهار دوره تقسیم می‌شود که می‌توان به دوره‌های باروک، کلاسیک، رمانتیک و مدرن اشاره کرد.

پیدایش موسیقی مدرن

موسیقی مدرن، در واقع شکل‌گیری تفکر آوانگارد و نوگرایانه است که در نقاط مختلف تاریخی قرن بیستم به وجود آمد. پیدایش موسیقی مدرن از اواخر دهه ۱۹ میلادی آغاز شد و تا سال‌های مختلف قرن ۲۰ میلادی به صورت تکاملی ادامه یافت. در این دوران، موسیقی کلاسیک به معنای لغوی کلاسیک با چالش‌های مختلف مواجه شد و تعبیر شکل یافت و گاه متحول نیز شد. با پیدایش ملودی‌های سازماندهی شده، صداهای تازه‌ای در موسیقی پدیدار شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره توجه ویژه به صداهای جدید در موسیقی می‌توان نام برد.

جمع‌بندی

تاریخچه موسیقی حداقل به ۴۵۰۰ سال قبل برمی‌گردد. موسیقی از گذشته تا کنون برای اهداف خاصی مورد استفاده قرار گرفته است. از اهداف سیاسی و اعتراضی گرفته تا برای سرگرمی و اجراهای نمایشی. بنابراین زبان موسیقی زبانی کاملاً تاثیرگذار است که با شناخت دقیق آن می‌توان به بهترین شکل از این زبان واحد استفاده کرد. در این مطلب سعی شد نگاهی کلی به تاریخچه موسیقی در جهان و ایران انداخته شود. موسیقی به ویژه در ایران قدمت بسیار بالایی دارد و همین موضوع باعث می‌شود که بیشتر به فکر ترویج و تقویت موسیقی داخلی خود باشیم. گرچه استفاده از تکنیک‌های روز جهان برای پیشرفت و الگو گرفتن به منظور ابداع سبک‌های جدید کاملاً ضروری است و نمی‌توان از این پیشرفت همگانی موسیقی عقب ماند و باید خود را کاملاً همگام با آخرین تکنیک‌ها و فناوری‌ها هماهنگ کرد.

علاقه‌مند هستند و کلاس‌های آموزشی خوبی هم در سراسر کشور در این زمینه در حال برگزاری است. به هر حال ایران به عنوان یکی از ۳ کشور با قدمت در موسیقی شناخته می‌شود که باید برای اصالت و سنت موسیقی بومی خود ارزش بالایی را قائل شویم. گرچه موسیقی زبان مشترک همه ملت‌ها است و اکنون با استفاده از سبک‌های مختلف کشورهای دیگر علاقه‌مندان زیادی نیز جذب این سبک‌ها شده‌اند، اما باید برای ارتقا موسیقی داخلی و اصیل ایرانی و همچنین منتقل کردن آن به کشورهای دیگر بیشتر کوشید.

همان‌طور که ذکر شد، موسیقی قدمتی بسیار طولانی در کشور ایران دارد. قدمت موسیقی در این کشور به دو دوره زمانی متفاوت تقسیم می‌شود که می‌توان به موسیقی قبل از اسلام و موسیقی بعد از اسلام اشاره کرد. لازم به ذکر است که تنها اطلاعاتی که از موسیقی قبل از اسلام در دست است، وجود سازی مانند تنبور امروزی و یا نقاشی یک گروه نوازنده ساز چنگ می‌باشد. پس می‌توان گفت که بیشتر قدمت موسیقی، به دوره زمانی پس از اسلام مربوط می‌شود. پس از این که اعراب، ایران را فتح کردند تا پایان دوره خلیفه‌های راشدین، خواندن هر نوع موسیقی ممنوع بود. در زمان بنی امیه از سختگیری‌های اولیه کاسته شد و سرانجام در زمان خلیفه‌های عباسی، موسیقی به اوج خود در تاریخ ایران رسید. در زمان صفوی، موسیقی رنگ تازه‌ای گرفت و از سبک گذشته خود خارج شد. سیر تکامل موسیقی در ایران روز به روز بهبود یافت تا به دوران امروزی رسید.

تاریخ موسیقی در ایران

تاریخچه پیدایش موسیقی کلاسیک

همانگونه که موسیقی در کشورهای آسیایی بسیار محبوب بود، شهرتش در کشورهای غربی نیز زباند عام و خاص بود. موسیقی غربی را اغلب با عنوان موسیقی کلاسیک می‌شناسند. این موسیقی در قرون وسطی، یعنی از سال ۱۴۰۰ میلادی وارد کشورهای اروپایی شد. در این دوران، تغییرات بسیاری در موسیقی صورت گرفت که می‌توان به سادگی فرم‌ها و فواصل موسیقی

منابع

۱. فراهانی. (۱۳۹۲). سیمای معماری در موسیقی جهان از دوره رمانتیک تا معاصر جستجوی همانندی معماری و موسیقی؛ تحلیل هفت اثر موسیقی برنامه‌ای با موضوع معماری. پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، (۳)۵، ۱۵-۲۸.
۲. ذاکر جعفری. (۱۳۹۸). پیشینه‌ی همناواری و چگونگی همنشینی سازها در تاریخ موسیقی ایران (دوره‌ی اسلامی تا پیش از عصر قاجار). نشریه هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، (۲)۲۴، ۵-۱۶.
۳. حسینی بقانام، فرسو. (۱۳۹۹). هویت زنانه و قومیت در تاریخ موسیقی تبریز از ۱۲۸۵ تا ۱۴۰۰. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۱)۱۰، ۱۶۱-۱۸۳.
۴. میثمی. (۱۳۹۹). بررسی یک نمونه از روایت‌گری در تاریخ موسیقی ایران (مطالعه‌ی موردی: اعدام استادان موسیقی دربار امیران‌شاه و فرار عبدالقادر مراغی). نشریه هنرهای زیبا: هنرهای نمایشی و موسیقی، (۴)۲۵، ۴۹-۵۴.
۵. ذاکر جعفری. (۱۳۹۵). شناسایی و طبقه‌بندی موقعیت‌های کاربردی سازهای رزمی در تاریخ موسیقی ایران دوران اسلامی. جامعه‌شناسی تاریخی، (۳)۷، ۲۵-۴۹.
۶. سپهری، هادی، اسعدی، هومان. (۱۳۹۹). نقد کتاب موسیقی ترکیه، تجربه‌ی موسیقی، باز نمود فرهنگ. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، (۲)۲۰، ۱۵۱-۱۶۷.
۷. پارسایی‌راد، آیدین، بلخاری‌قهی. (۱۴۰۲). حیات فرم‌های موسیقی مذهبی تشیع در دوران صفوی و قاجار. مطالعات هنر و زیباشناسی، (۳)۷، ۶-۱۹.

یاد و خاطره‌ای از استاد علی تجویدی

گل ما را از من بگیر، می میرم!!



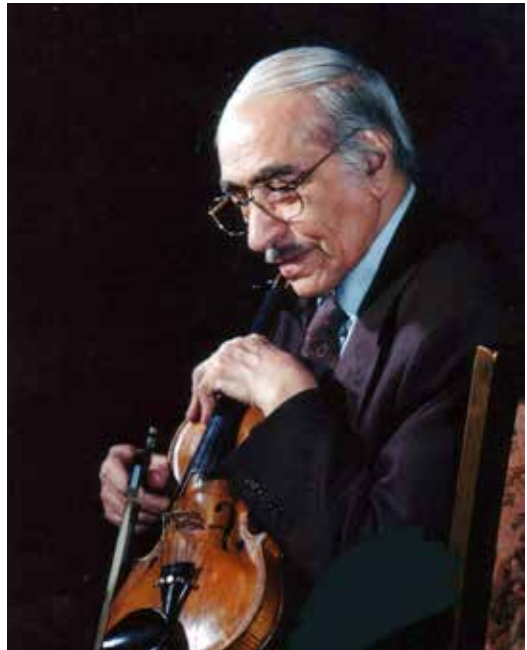
دکتر کیوان پهلوان
پژوهشگر موسیقی

پاییز سال ۱۳۸۴ بود و من از وخیم شدن حال استاد تجویدی آگاه شدم و روزی که با بهرنگ آزاده، شاگرد و همراه خوب استاد همنشین بودم، از او خواستم تا مهربانی کند و مرا نزد او ببرد. شاید کاری از ما برایش برآید تا انجام دهیم و درعین حال عیادتی هم کرده باشیم.

اگر اشتباه نکنم، خانه‌اش در خیابان ونک بود. خانه با مدل خانه‌های دهه چهل ساخته شده بود؛ اول وارد گاراژ خانه می‌شدی که می‌توانست یک ماشین را در آن جای دهد و اگر ماشین جای می‌گرفت افراد یک به یک و با احتیاط که خاک ماشین به لباسشان نخورد می‌بایست وارد در ورودی خانه می‌شدند. پس از ورود به خانه هالی را می‌دید که چهار درِ اتاق‌ها به آن باز می‌شد: روبرو اتاق استاد تجویدی و همسرش بانو شوکت، که به حیاط هم دری داشت؛ در کنار آن، اتاق پذیرایی بزرگ L مانند که در آن میزها و بخشی از گلهای زیبای استاد پرورش قرار داشت و آن طرف پنجره‌های تمام قدی که در آخر اتاق بود، می‌شد حیاط و طبعاً گلخانه و گلهای رنگارنگ و زیبای پرورش یافته به دست آقای تجویدی را نیم‌نگاهی کرد. بخش بزرگی از حیاط برای حفاظت از گلها سرپوشیده شده بود. دو اتاق دیگر در سمت چپ و راست گاراژ، اتاق بچه‌ها بود. شوکت خانم می‌گفت وقتی استاد حسن کسایی از اصفهان به تهران می‌آمد و برنامه و ضبط داشت، بیشتر اوقات به خانه ما می‌آمد و اتاق سمت راستی را بچه‌ها برایش خالی می‌کردند. در این اتاق، تختی بود برای خوابیدن و میز کوچکی و یکی دو صندلی.

ما پس از دیدن گلهای متنوع و زیبای درون اتاق پذیرایی و حیاط که بهتر بگویم گلخانه گلهای زیبای پرورش یافته دست استاد به درون اتاق آمدیم و شوکت خانم هم برایمان خاطره تعریف می‌کرد و متأسفانه آن استاد جدی و در عین حال خندان در اتاق خوابش از درد و بیماری رنج می‌برد و نمی‌توانست پذیرای طولانی مدت افراد باشد و پس از دیداری کوتاه، من و بهرنگ توسط شوکت خانم به اتاق پذیرایی در کنار پنجره، جایی که استاد به شاگردان خود درس می‌داد، راهنمایی شدیم.

شوکت خانم خاطرات زیبایی از آهنگ ساختن و پرورش گل آقای تجویدی تعریف می‌کرد؛ مثلاً گفت:
قبل از سالهای چهل وقتی به اینجا بیاییم، خانه مان در خیابان باستان بود و خانه‌ها بیشتر نمای آجری داشت و حیاطی،



علی تجویدی (زاده ۱۵ آبان ۱۲۹۸ در تهران - درگذشته ۲۴ اسفند ۱۳۸۴) نوازنده ویولن و سه‌تار و آهنگساز، در تهران متولد شد، اما اصالتاً اهل اصفهان بود. برادران وی محمد و علی‌اکبر تجویدی از نقاشان سرشناس بودند. تجویدی آموختن موسیقی را از کودکی نزد پدرش «هادی‌خان تجویدی» که در نقاشی از شاگردان کمال‌الملک و در موسیقی از شاگردان درویش‌خان بود، آغاز کرد. پس از مدتی نزد «ظهرالدینی» به فراگیری فلوت پرداخت.

خود او نقل کرده که از دوازده سالگی دستگاه‌های موسیقی ایرانی را می‌شناخته‌است. از شانزده سالگی نزد حسین یاحقی نواختن ویولن را آموخت و پس از دو سال به کلاس درس ابوالحسن صبا (که دوست و همکار پدر تجویدی در زمینه نقاشی بود) راه یافت. به مدت هشت سال در مکتب او به فراگیری ویولن و سه‌تار پرداخت. او مدتی نیز در کلاس درس چند نوازنده ویولن کلاسیک با شیوه نوازندگی غربی آشنایی یافت. علاوه بر مهارت در نوازندگی، تجویدی در خلق قطعات موسیقی ایرانی، صدها ترانه را با صدای هنرمندان نامدار به اجرا درآورد.



صحبت‌های دلنشین شوکت خانم ادامه داشت:

دیگه بچه‌ها بزرگ شدن و ازدواج کردن و هر یک به دنبال سرنوشت خودشان رفتن و ما هم نگران وضعیت شان. تمام بیابون شد خونه و آپارتمان‌های سربه فلک کشیده؛ ولی علی به همون پرورش گلها و آهنگ ساختن و تربیت شاگرد آرامش داشت و راضی بود؛ گویی چیز دیگری از این دنیا نمی‌خواست و تمام خوشبختی را در آنها می‌دید.

روزی بهش گفتم: علی می‌خوام موضوعی را باهات در میون بگذارم و پیشنهادی بدم. او نشست و به من نگاه کرد. بعد گفت: بگو می‌شنوم.

من هم گفتم: علی ببین، ما الان سی‌چهل ساله اینجا زندگی می‌کنیم. بچه‌ها مون اینجا بزرگ شدن. حالا من و تو شدیم تنها با این خونه بزرگ. ما دو نفریم و در یک آپارتمان کوچیک هم می‌تونیم سر بکنیم. بیا اینجا را به یک بسازوفروش بدیم و شریک بشیم و چند آپارتمان بگیریم یکی رو خودمون بشینیم و بقیه را بدیم به بچه‌ها مون تا اونا هم راحتتر باشن.

وقتی حرفهام تموم شد، دیدم علی با چهره‌ای بسیار افسرده و مغموم به من گفت:

شوکت تو می‌خواهی گلها و آرامش رو از من بگیری و منو بکشی.

من توی آپارتمان خیلی زود می‌میرم. بگذار تا زنده هستیم همینجا باشیم، بعدش بچه‌ها میدونن با این خونه چکار کنند.

استاد علی تجویدی در همان خانه در ۲۴ اسفند ۱۳۸۴ (۱۵ مارس ۲۰۰۶) در سن ۸۶ سالگی به علت سرطان پروستات درگذشت و شوکت خانم هم بعد از چهار پنج سال متاسفانه دارفانی را وداع گفت.

دوستی ارجمند به من اطلاع داد که آن خانه، تبدیل به برجی سبز! شده است.

طبیعی ست کشورهای متمدن تر آنجا را به عنوان میراثی فرهنگی و پاسداشت هنرمندی بزرگ حفظ می‌کردند و موزه‌ای درخور بوجود می‌آوردند.

و هنگامی که به پشت بام می‌رفتی یک اتاق زیر شیروانی داشت. تا هوا کمی گرم می‌شد علی هنگام خوابیدن، رختخوابش را جمع می‌کرد و در پشت بام می‌خوابید و آسمان و ستاره‌ها را تماشا می‌کرد و با خود آهنگهایش را زمزمه می‌کرد و اگر ناگهان آهنگ جدیدی به ذهنش می‌رسید، به سرعت از جایش برمی‌خواست و با سکه یا میخی که دوروبرش بود نت اول آهنگ را در دیوار حکاکی می‌کرد تا فردا صبح دوباره آن را ببیند و به یادش بیاید و کل آهنگ را بسازد و بنویسد!

وقتی بچه‌ها بزرگتر شدند، جایمان کمتر شد و سر و صدایشان دیگر نمی‌گذاشت علی در خانه آرامش داشته باشد و در تنهایی اش بیشتر برای خلق آثارش تمرکز کند.

از دوازده سالگی دستگاه‌های

موسیقی ایرانی را

می‌شناخته‌است. از شانزده سالگی

نزد حسین یاحقی نواختن ویولن

را آموخت و پس از دو سال به

کلاس درس ابوالحسن صبا (که

دوست و همکار پدر تجویدی در

زمینه نقاشی بود) راه یافت. به

مدت هشت سال در مکتب او به

فراگیری ویولن و سه‌تار پرداخت.

او مدتی نیز در کلاس درس چند

نوازنده... ویولن کلاسیک با شیوه

نوازندگی غربی آشنایی یافت.

علی به من گفت :

شوکت اینجا دیگه به درد من نمی‌خوره بیا خونه رو بفروشیم و بریم یک جای آرام تر، هم محیط کوچه و خیابون و هم خونه. فضای خونه هم بزرگتر باشه. بچه‌ها هم راحتتر باشن. خیلی گشتیم و بالاخره اینجا را پیدا کردیم.

شوکت خانم ادامه داد:

اینجا بیابون بود، اولین خونه را ما ساختیم. روبروی ما هم باغی بود با برج و بارو. بعد چند تا خونه توی کوچه ساختند. پسرها می‌رفتند توی کوچه و اگر همسن و سالی هم پیدا می‌کردن با آنها توپ بازی می‌کردن.

علی هم خیلی خوشحال بود که دیگه می‌تونه گل‌های فراوان پرورش بده. او هر زمان که توی خونه بود و شاگردی نداشت یا با گلها بود و یا اینکه روی اون صندلی (صندلی را نشان داد) مشغول زمزمه کردن و نت نوشتن بود.

مطالعه‌ای بر سمفونی در ۳ موومان



علیرضا اکبرپور

(چاپ شده در هجدهمین کنفرانس بین‌المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (گرجستان))



مقدمه

ارکستر به‌خاطر تأکید بر جدایی هر یک از قسمت‌ها، به مدت چند ثانیه بازمی‌ایستد و موومان بعدی را آغاز می‌کند. گاه نیز، بسته به نظر آهنگساز، بلافاصله موومان بعدی اجرا می‌شود. قسمت اول یا بیش از یک قسمت، فرم سونات دارد. فرم سونات چنان عمومی در موومان اول سمفونی‌ها و دیگر آثار یافته‌است که گاهی این فرم را «فرم موومان اول» می‌نامند.

شیوه استفاده از داستان و نمادهای انتزاعی و درک و مفاهیم نمادها با توجه به ساختار زیباشناسی، نتیجه شخصی و استفاده از شرایط موجود در ساخت اثر به مصنف، این جسارت را داده که با مطالعه میراث ادبی برای استفاده از آن در اثر بهره‌گیرد و به موسیقی معاصر و حتی به موسیقی دستگاه سرزمین خود نزدیک شود. سمفونی ساخته شده حاصل تجارب ذوقی و مطالعاتی و تجربه شخصی انتخاب شده و محصول دریافت نگارنده اثر می‌باشد.

**آنالیز موومان اول سمفونی
ساختار فواصل و آکوردهای اصلی
۱ - فاصله‌های نیم پرده**

سمفونی (به فرانسوی: symphonie)، از کلمه یونانی *Συμφωνία* (symphonia) به معنی هم‌صدایی و هم‌آوایی گرفته شده‌است. سمفونی در موسیقی کلاسیک به قطعه‌ای ارکسترال گفته می‌شود که از چند بخش مجزا به نام موومان تشکیل شده باشد و موومان اول دارای فرم سونات است. فرم سمفونی درحقیقت همان فرم چهار بخشی یا چهارموومانه است و فرمی سازی است و به ندرت در فرم آوازی (مانند موومان چهارم سمفونی نهم بتهوون) ساخته می‌شود. قدمت سمفونی به سده هجدهم میلادی در اروپا بازمی‌گردد. یوزف هایدن، ولفگانگ آمادئوس موتسارت، و به‌ویژه لودویگ فان بتهوون در شکل‌گیری آن تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. امروزه سمفونی رایج‌ترین اجرای هم‌نوازی در ارکستر سمفونیک است. این فرم از اوایل سده قرن هجدهم از اوورتورهای اپرا ریشه گرفته و حدود نیم قرن پس از آن به‌عنوان یک اثر مستقل تحول و گسترش یافته‌است. هر سمفونی قطعه‌ای بلند و دارای حجم زیاد برای ارکستر است و معمولاً چهار موومان (قسمت) مجزا دارد و در میان اجرای کلی اثر،

* کارشناس ارشد موسیقی، گرایش آهنگسازی، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، (آهنگساز و مدرس دانشگاه)

alirezaakbarpour.composer@gmail.com

مختلف میزان ۱۷ (فلوت) میزان ۲۴ ابوا- میزان ۲۵ ابوا- میزان ۴۵ فلوت ها - در میزان ۵۷ کلارینت (سل و دو دیز) به صورت ملودیک استفاده شده به نمونه ۸۱ (ابوا) و نمونه هایی از این قبیل می توان در طول اثر اشاره کرد. تراتیون ها ایجاد ابهام کرده ومی توانند شباهت به لیدین ۳ وگام تمام پرده هم داشته باشند. فاصله چهارم کاسته وپنجم افزوده هم در اثر است که معادل آنهارمونیک می باشند...

۵- هفتم های کوچک و بزرگ

به دلیل فاصله ای که نسبت به دوم ها دارند، (معکوس) کمی مطبوع تر هستند نمونه میزان ۷ پدال هورن (سل و فادیز) هفتم . نمونه (میزان ۴۵) ترومبون ها (سی بمل و دو)

۶- دوم افزوده

به جهت خاصیت شرقی بودن در اولین موومان هم به جهت ملودیک و هم هارمونیک ارائه شده است.

نمونه میزان ۵۵ (هورن ها) (سی بمل و دودیز)

عناصر ریتم در سمفونی (موومان اول)

سیاه = $72 \times \frac{1}{4}$ - مقدمه اکسیوزسیون در ریتم ۷۲
سیاه = $120 \times \frac{2}{4}$ - ۲ گروه سوزه اول
سیاه = $126 \times \frac{3}{4}$ - ۳ رابط
سیاه نقطه دار = $66 \times \frac{6}{8}$ - ۴ گروه سوزه دوم
طراحی شده $\frac{5}{8}$ $\frac{6}{8}$ $\frac{3}{8}$ $\frac{5}{8}$ کدای بخش اکسیوزسیون در ریتم
سیاه = $126 \times \frac{2}{4}$ - دولوپمان
سیاه = $72 \times \frac{1}{4}$ - ری اکسیوزسیون در تنیک درمیزان
سیاه = $120 \times \frac{3}{8}$ - ۲ گروه سوزه های دوم در تنیک در میزان
سیاه = $72 \times \frac{1}{4}$ - ۹ کدا در میزان های

شامل: اول های افزوده و دوم های کوچک که خصلت موسیقی قرن ۲۰ و یا هارمونی معاصر است .

فوق العاده دیسونانس ۱۱ و نامطبوع ترین فواصل است. در موومان اول خیلی فراوان استفاده شده، خاصیت دیگر این فواصل مبهم کردن حرکت هارمونیک است. برای مثال میزان ۳۱ موومان اول در برنجی ها (هورن ها) - میزان ۳۴ در کلارینت، (سل دیز و لا) - و ابوا در همان میزان، میزان ۵۳ (هورن دو و ربمل) (سل و دو) در اصل اجرا کرده، انتقال ۲۲ (کاربرد آنها در موسیقی سریال است).

۲- هارمونی دوم های بزرگ:

هارمونی است که کاربرد آن در آهنگسازان امپرسیونیستی ۳۳ دیسونانس و شدت نامطبوعی در آنها یک درجه ۴۴ کمتر از فاصله های نیم پرده است. به عنوان مثال در موومان اول (میزان ۳۳ در ابوا) میزان ۴۱ فلوت (سل ولا) - میزان ۵۳ - فلوت و ابوا - (می وفادیز) و - (فادیز و سل دیز) میزان ۵۷ هورن ها

۳- فاصله سومها

در هارمونی کلاسیک کاربرد فراوانی دارد. از این موومان سعی شده از آنها استفاده کمتری شود - به جهت هم آهنگی مطبوع ۵۵

آنها - میزان ۳۰۶ برای فلوت نت (دو- می- سل) که البته برای آن و گریز از این فاصله نت (فا بکار و فادیز) اضافه شده است.

هستند، که معادل آنهارمونیک سوم هایی که در موومان اول شکل گرفته سوم افزوده ۶ آنها چهارمهای درستاند- نمونه میزان ۳۰۱ هورن ها (فابکار - لادیز) که انتقال آن (سی بمل و ردیز)

۴- تراتیون ها ۱ آن پنجم کاسته و فاصله های چهارم افزوده و معکوس ۲۷ آن پنجم کاسته

فاصله ای است که در اثر هم به شکل ملودیک و هم هارمونیک بیشترین حضور را دارد. مهمترین مثال اولین فاصله تم اول (دو و فادیز) که درطول اثر شنیده می شود. به شکل های

عواملی که برای اجرای این سمفونی استفاده شده عبار تنداز (ارکستر سمفونیک)

۱- پیکولو	۱ عدد	۲- فلوت	۲ عدد
۳- ابوا	۲ عدد	۴- کرانگله	۱ عدد
۵- کلارینت سی بمل	۲ عدد	۶- کلارینت باس	۱ عدد
۷- باسون	۲ عدد	۸- کنترباسون	۱ عدد
۹- هورن	۴ عدد	۱۰- ترومپت	۲ عدد
۱۱- ترومبون تنور	۲ عدد	۱۲- باس ترومبون و توبا	۲ عدد
۱۳- نیمپتی - تام تام - گنگ - گلوکن اسپل - زایلوفون - اسنیردرام - هارپ - گروه زهی ها - ۱- ویلن اول ۲- ویلن دوم ۳- ویلن آلتو ۴- ویلنسل ۵- کنترباس			



موومان دوم

اصلی ترین خصلت این موومان فرمی است که در آن سازها به اجرای مداوم و تکراری یکسری موتیف کوتاه می‌پردازند.

که در جاهایی دیگر به لحاظ ساختار و تنوع دینامیکی تغییر کرده است. خاتمه باید FF شروع و به PPP ۴ - دینامیک: از بافت موومان سوم - بافتی هموفونی ۵ است

تم اصلی در موومان دوم

بررسی هارمونی طوری در این موومان طراحی شده که از آکوردهای هفتم ناقص ۴ - آکورد هفتم - نمایان - آکورد افزوده - و آکورد هفتم بزرگ و یازدهم استفاده شده است. به خصوص در قسمت اول اثر در زهی‌ها بیشترین بافت هارمونی بر گرفته از آکوردهای هفتم است. نمونه (میزان ۳۷ و ۳۸) به عنوان مثال در بررسی هارمونی گروهی زهی از میزان (۲۹ تا ۳۱) از این امکان استفاده شده است.

اصلی ترین خصلت این موومان فرمی است که در آن سازها به اجرای مداوم و تکراری یک سری موتیف کوتاه می‌پردازند که آن موتیف به عنوان یک واحد کوچک تکرار شونده که خود دارای تغییراتی می‌باشد. ارائه می‌شود.

آنالیز موومان سوم

موتیف ۱ ملودیک

فیگورهای ریتمیک و تغییرات مدولاسیون ۲

۱- هارمونی موومان سوم

در هارمونی این موومان به لحاظ ساختار روشن و شفاف و جنبه توصیفی اثر، از هارمونی فواصل تیرسی^۱ و کوارتال و از فضای مدال^۲ استفاده شده. هارمونی با توجه به رنگ آمیزی اصوات براساس نتهای پایه و بیشتر به صورت پدال فاصله چهارم و پدال فاصله پنجم^۳ به عنوان نمونه در میزان پنجم (هورن ها)

۲- آکمپانیمان موومان سوم

همراهی‌ها طوری در ارکستر طراحی شده که این بخش به حالت موومان‌های قبل تکرار می‌شود تم اولیه در آن به وفور شنیده می‌شود و جابجایی نقش ساز و رنگ آمیزی در آنها وجود دارد.

۳ - فرم ۴ موومان سوم - (A - B - A)

نتیجه گیری

اقتباس از نمادهای (دوزخ ۱، برزخ ۲، بهشت ۳). به صورتی انتزاعی که در این مقاله به شکل ساختار دراماتیکی مطرح گردید. مواجهه شدن تفکر نگارنده در عصر حاضر و زمانی که توانسته‌ام محصول اندیشه‌های خود را با جهان بینی منظم و سازماندهی شده در ظرفی به نام سمفونی ارائه دهم. کاری است که هدف اینجانب بوده است. نوشتن ایده‌هایی مستقل و تم‌هایی مشخصی برای سه موومان با استفاده از یک سری ماتریال‌های خام - به صورت تنال، آنتال و مدال:

۱- در موومان اول استفاده از نظام ۱۲ نتی ۴ و نگاهی انتزاعی و دراماتیک برای نماد دوزخ.

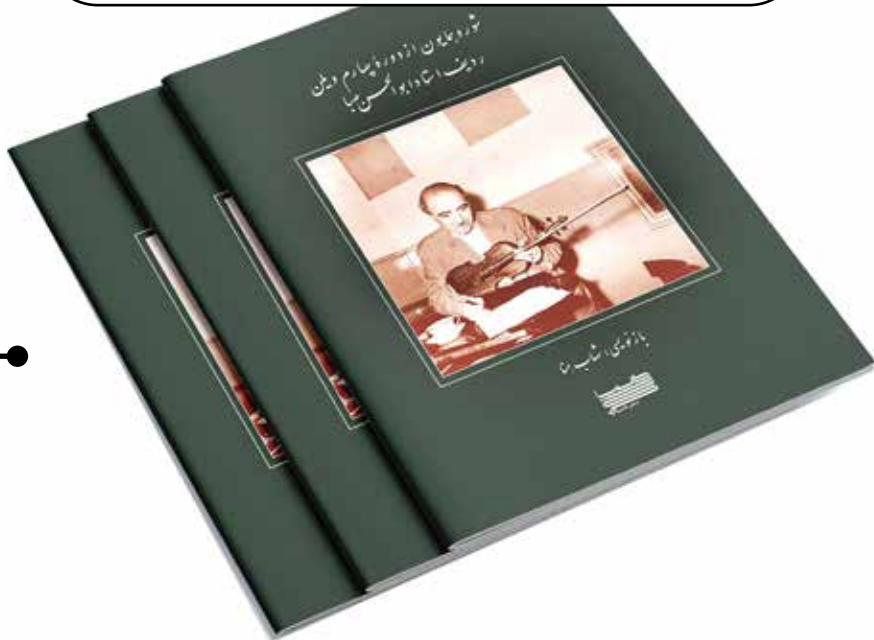
۲- در موومان دوم استفاده از یک سری نت‌های آنتال با آکوردهای هفتم - هفتم‌های نمایان و ناقص حرکت ریتمیک یکسان و چیدمان آنها برای نماد برزخ.

۳- موومان سوم استفاده از هارمونی تیرسی - کوارتال و فضای مدال و فضایی شفاف و استفاده کم از چیدمان نت‌ها برای نشان دادن نماد انتزاعی بهشت. هر اثر هنری نه صرفاً به خاطر آنچه انجام می‌دهد بلکه و همچنین به خاطر آنچه از انجام دانش امتناع می‌ورزد برای معاصرانش جذابیت دارد. (ارنست گامبریچ)

پی‌نوشت:

1. dissonant
2. tronsposition
3. impressionistic
4. degrees
5. consonant
6. third augmented
7. enharmonic

مقدمه کتاب دوره چهارم ویلن صبا



دوره چهارم ویلن استاد ابوالحسن صبا در مجله موزیک ایران، برخلاف دوره‌های اول و دوم ویلن صبا، فاقد شعر است و جملات آن در دستگاه شور و ماهور مشابه روایت نورعلی برومند از ردیف میرزاعبدالله است. در این نت‌نوشته‌ها همایون و ماهور از چپ‌کوک (همایون فاسری و ماهور ر) و شور از راست‌کوک (لا) نوشته شده است.

در شور چاپ‌شده از دوره چهارم عنوان و توالی گوشه‌ها اکثراً مطابق با شور بالادسته ردیف میرزاعبدالله به روایت نورعلی برومند است و درعین‌حال برخی اسامی آن در ردیف میرزاعبدالله به روایت نورعلی برومند مشاهده نمی‌شود که شامل «دوتیکه»، «تیکه خسروانی»، «تیکه میرزاحسینقلی» (مشابه چهارمضرب «مجلس افروز») و «ابوایتم» است. در ماهور نیز که متأسفانه در موزیک ایران به‌طور ناقص چاپ شده گوشه‌هایی با عنوان‌های «مویه» و «دادآفرید» (مشابه «مقدمه داد») به چشم می‌خورند که در ردیف میرزاعبدالله به روایت نورعلی برومند دیده نمی‌شوند.

هرچند سرنوشت باقی دوره چهارم ویلن ردیف استاد ابوالحسن صبا_ مطابق نسخه‌ای که بخشی از آن در موزیک ایران چاپ شده_ نامعلوم است، مغتنم دیدم همین قسمت‌های چاپ‌شده در موزیک ایران را به‌منظور استفاده علاقه‌مندان بازنویسی و منتشر کنم. در بازنویسی حاضر جملات را از هم جدا کرده‌ام و تکرار فیگورها را با علائم تکرار نشان داده‌ام.

در آستانه شصت‌وششمین سالگرد درگذشت استاد ابوالحسن صبا، کتاب «شور-همایون از دوره چهارم ویلن، ردیف استاد ابوالحسن صبا» با بازنویسی شهاب‌مینا توسط نشر خنیاگر منتشر شد. در مقدمه بازنویس این کتاب می‌خوانیم: مجموعه‌ای که پیش‌رو دارید حاوی نت دستگاه‌های همایون، شور و بخشی از دستگاه ماهور از دوره چهارم ویلن ردیف استاد ابوالحسن صبا است که پیش از این در ۲۶ شماره مجله موزیک ایران، از خردادماه سال ۱۳۳۷ تا مردادماه سال ۱۳۳۹، چاپ شده است. چنان‌که در اولین شماره آمده، در زمان حیات استاد، یک کلاس تکنیکی ویلن در اداره کل هنرهای زیبا مخصوص تحصیل‌معلمان کلاس‌های موسیقی تشکیل شده بود. موزیک ایران نت‌های مندرج در ۲۶ شماره خود را حاصل آن کلاس‌ها دانسته نت دستگاه‌های همایون و شور و بخشی از ماهور آن‌را با عنوان ردیف چهارم ویلن استاد ابوالحسن صبا به چاپ رسانده است. در سال ۱۳۹۵، کتابی با عنوان دوره عالی ویلن استاد ابوالحسن صبا، با تنظیم و ویرایش رحمت‌الله بدیعی، توسط انتشارات سرود منتشر شده است که ویراستار در مقدمه خود آن‌را ردیف چهارم ویلن خوانده آن‌را براساس دست‌خط‌های استاد صبا برای رحمت‌الله بدیعی و دیگر شاگردان صبا و نیز نواخته‌های استاد تدوین کرده است. محتوای نت‌های ویراسته رحمت‌الله بدیعی نسبت به نت‌های چاپ‌شده از دوره چهارم ویلن استاد ابوالحسن صبا در مجله موزیک ایران متفاوت است.

چند و چونی در موسیقی پاپ



فریدون شهبازیان

اشاره:

در سلسله کارگاه‌های موسیقی که تحت عنوان مستر کلاسهای خانه موسیقی در سال گذشته برگزار شد یکی از کلاسها قرار بود در زمینه موسیقی پاپ و موارد مرتبط با آن همچون آهنگسازی، ترانه سرایی، ارکستراسیون و دیگر نکات تخصصی توسط فریدون شهبازیان برگزار شود. بر این اساس شهبازیان به عنوان مقدمه‌ای بر این کارگاهها یادداشتی درباره موسیقی پاپ نوشته است که قست اول آن را در اینجا می‌خوانیم:

زمان ترانه‌های پاپ بین دو و نیم تا پنج دقیقه ساخته و اجرا می‌شود؛ ترانه‌های پاپ همواره به عنوان ژانر موسیقی پاپ برای عموم جذاب است برخلاف بقیه ژانرهای موسیقی که علاقه‌مندان خودش را دارد جذابیت ویژه موسیقی پاپ به شکلی است که عموم مردم می‌توانند از آن لذت ببرند متأسفانه مفاهیم هنری مانند فرم‌های پیچیده یا زیبایی شناختی، دلمشغولی ترانه سرایان اشعار موسیقی پاپ نیستند، چرا که هدف اصلی سبک و ژانر موسیقی پاپ، جذب شنوندگان و موسیقی تجاری است که بتوانند با اجراهای مختلف در این کنسرتها به پول دست پیدا کنند. موسیقی پاپ ایرانی که در کشور ما به شدت رواج دارد در زمان‌های دور با به روی کار آمدن خوانندگان خوب موسیقی سبک پاپ مورد توجه مردم قرار گرفت و برای خودش جایی باز کرد، در همان زمان خیلی از جوانها اشتیاقی فعالیت در موسیقی رپ را تجربه کردند و به همین شکل ادامه دادند.

موسیقی پاپ، با سبک‌های دیگر مانند، کلاسیک، بومی، دراماتیک، تراژیک و غیره متمایز بوده و بسیار مورد توجه شنوندگانش می‌باشد، البته در این سبک بیشتر باید از صدای خانم‌ها استفاده کرد؛ در کشورهایی که رتبه بالایی در اجرا و ارائه موسیقی دارند، دو سوم تولیدات این سبک ویژه بانوان است و بوسیله آنها اجرا می‌شود.

آهنگهای مورد استفاده در سبک پاپ بیشتر در ژانر ترانس، ریتمیکس، راک، موسیقی الکترونیک و ریز سبک‌هایی مانند پاپ راک و یا سافت راک مورد نظر است.

در کشور ما متأسفانه خوانندگان زن اجازه فعالیت ندارند، با اینکه موسیقی پاپ همواره در حال گرایش با جریان روز است دائماً تغییر می‌کند، شناخت موسیقی پاپ به عنوان سبکی همواره ساده در جریان است و بهر روی مورد اقبال مردم است.

ساختار آهنگ در موسیقی پاپ ترانه محور است و معمولاً

ریتم، بخش دوم ملودی! موسیقی پاپ معمولاً بر مبنای ترانه ساده و عاشقانه ساخته می‌شود و مردم خیلی زود با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

موسیقی پاپ انواع مختلف دارد، این نوع موسیقی قابلیت فراوانی برای ترکیب با انواع دیگر موسیقی‌ها دارد. تعجبی ندارد اگر بشنویم موسیقی سبک پاپ با انواع دیگر موسیقی‌ها، مانند پاپ راک یا "آر اند بی" یا حتی موسیقی بومی، ترکیب شده و بسیار زیبا هم صدا می‌کند.

به همین دلیل هر خواننده صاحب سبکی در اجرا می‌تواند در سبک موسیقی پاپ گونه‌ای تازه هنگام اجرا از خود بجا بگذارد. آنچه که در کنار سبک موسیقی پاپ توانست خود را تثبیت کند موسیقی سبک رپ بود، در موسیقی سبک رپ بیشتر ریتم مبنای اصلی موسیقی است، که حتی در استفاده از کلام، موسیقی سبک رپ متکی به گفتار سرعتی و اعتراضی است در موسیقی پاپ ملودی نقش پر رنگی دارد و با اقبال بسیار بالای شنوندگانش

موسیقی پاپ ایرانی که در کشور ما به شدت رواج دارد در زمان‌های دور با به روی کار آمدن خوانندگان خوب موسیقی سبک پاپ مورد توجه مردم قرار گرفت و برای خودش جایی باز کرد، در همان زمان خیلی از جوانها اشتیاق فعالیت در موسیقی رپ را تجربه کردند و به همین شکل ادامه دادند

فعالان موسیقی از دهه ۵۰ تا دهه ۸۰ علاقه‌ای به موسیقی سبک رپ نشان ندادند... موسیقی سبک رپ که با تند خویی و یا تند گویی، با شعرهای متفاوت و غیر معمول خوانده می‌شود و به آن موسیقی زیرزمینی اطلاق می‌شود در کشور ما متأسفانه نمی‌تواند مجوز بگیرد، موسیقی رپ در دهه ۷۰ میلادی بوسیله سیاه پوستان رواج پیدا کرد، موسیقی رپ، نوعی مبارزه جوانان سیاه پوست با تبعیض نژادی رایج در آن زمان محسوب می‌شد. در این مورد لازم است بیشتر بررسی کنیم که چه اتفاقی باعث می‌شود که یک سبک موسیقی برایمان جذاب تر باشد، به موسیقی‌ای که قبلاً شنیده باشیم واکنش بیشتری نشان می‌دهیم و برایمان شنیدنی تر و زیباتر است.

در موسیقی پاپ چنین اتفاقی می‌افتد، چرا که در آهنگهایی که در ژانر موسیقی پاپ می‌نویسند، از ساده ترین عوامل نوشتن ملودی تا تنظیم و ارکستراسیون استفاده می‌کنند، همیشه به تکرار علاقه داریم و کمتر دوست داریم به دنبال تجربه‌های جدید برویم. معنای فلان آهنگ موسیقی، اگر بتوان برای آن معنایی پیدا کرد، چیزی خارج از وجود خود آهنگ نیست، و این برخلاف افکار و مفاهیمی است که می‌توان به راحتی آن را بیان کرد، می‌گوییم این آهنگ غمناک است و آن یکی شاد، اما هنرمند عواطفی غنی تر و متنوع تر از عواطف دیگران دارد، بلکه به این دلیل اگر منشا مضامین آفریده‌ی اوست، باید بدانیم فریادی که بر اثر درد کشیده می‌شود نشانه درد است که موجب فریاد بوده است، ولی آوازی که از روی درد خوانده می‌شود هم خود درد است و هم چیزی سوای درد.

چگونه می‌توان بیان موسیقی را با چنان وسیله‌ای که ارتباطی نه چندان دقیق با آن دارد از احساس و اندیشه کسی به شخص دیگری منتقل کرد.

یک موسیقی از دوبخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول





توافق قرار گرفته، فراموش نکنیم ملودی که در اختیار ترانه سرا قرار می‌گیرد باید کاملاً سیلاب بندی شده یا ملودی بوسیله یک ساز نواخته شود تا ترانه سرا بتواند بر روی آن از کلام مناسب استفاده کند.

لازم به یاد آوری است که استفاده از هر دو حالت مورد توجه آهنگساز خواهد بود، چرا که فقط آهنگساز توانا خواهد بود که همواره از چنین امکانی بهره مند باشد ولی ترانه سرا چنین امکانی در اختیار ندارد، به هر روی آهنگسازانی از چنین امکانی برخوردارند که با تقطیع و تلفیق شعر و موسیقی توانایی و آشنایی کامل دارند بویژه آشنایی کامل با ادبیات و دیوان اشعار شعرای بزرگ کشور هم آشنایی کامل داشته باشند البته بعد از ریتم، از ملودی و اجرای خواننده نباید گذشت کرد.

موسیقی پاپ ایرانی در قرن نوزده میلادی به وجود آمد و از دوران کم و بیش رواج رادیو گسترش پیدا کرد، موسیقی ایران پیش از دهه پنجاه میلادی در دست اکثر خوانندگان موسیقی ملی و کلاسیک ایران بود، خوانندگان موسیقی محلی و بومی ایران، با ترانه‌های مناسبی وارد بازار موسیقی می‌شدند و رفته رفته موسیقی پاپ ایران شکل گرفت و رواج یافت.

در همین دوران به کار گرفتن سازهای غربی و شیوه موسیقی غربی گسترش پیدا کرد و دگرگون شد، در همین دوران ساز گیتار وارد موسیقی ایران شد و به کار گرفته شد. نخستین ترانه‌های موسیقی پاپ ایران رواج پیدا کرد و موسیقی پاپ با ترانه‌های فارسی، ایرانی شد.

بهتر است از همه عوامل مختلف موسیقی و تعریف آنها استفاده کرد تا بتوان از ریتم، ملودی، هارمونی، رنگ آمیزی و کیفیت، فرم، سازشناسی به بهترین شکل ممکن استفاده کرد.

رو به روست ولی همانطور که اشاره شد موسیقی رپ بیشتر برگرفته از ریتم مناسب کلام استفاده می‌شود.

موسیقی پاپ در نیمه دوم قرن بیستم و به طریق معمول برای جوان ها با الهام از دیگر کشورها شکل گرفت و در دنیا رواج پیدا کرد.

موسیقی پاپ سبکی از موسیقی است که اکثر مردم به آن توجه می‌کنند و معمولاً مقابل موسیقی کلاسیک یا انواع دیگر موسیقی قرار می‌گیرد. پدید آورندگان موسیقی سبک پاپ سعی می‌کنند با استفاده از سبک راک و آرنج بی و حتی سبک‌های موسیقی بومی که در کشورهای دیگر به آن کانتتری میوزیک می‌گویند، آثار زیبایی خلق کنند و به همین دلیل این نوع موسیقی می‌تواند به سبک قابل قبولی تبدیل شود.

یکی از مشخصه‌های موسیقی پاپ ریتم است که ملودی اصلی آهنگ بر روی ریتم انتخاب شده تلفیق و همراه می‌شود و به ترانه‌ای گفته می‌شود که مردم خیلی زود آن را فرا می‌گیرند و قرار نیست سلیقه خاصی را دنبال کند.

عوامل سبک پاپ عبارت است از ملودی و ریتم و نهایتاً ترانه که می‌تواند با تلفیق و تقطیع صحیح به ترانه‌ای زیبا تبدیل شود، ساختن ملودی سبک پاپ از دو حالت خارج نیست:

حالت اول: استفاده از ترانه‌ای که در اختیار آهنگساز قرار می‌گیرد، برخورداری از ملودی مناسب بر روی ترانه‌ای که قبلاً مورد توافق قرار گرفته، فراموش نکنیم ترانه‌ای که در اختیار آهنگساز قرار می‌گیرد باید کاملاً آنالیز و سیلاب بندی یا تقطیع شناسی و تلفیق شناسی شده سپس ملودی برای آن انتخاب شود. حالت دوم: استفاده از ملودی که در اختیار ترانه سرا قرار می‌گیرد، برخورداری از ترانه مناسب بر روی ملودی که قبلاً مورد



علیرضا امینی
موسیقیدان، محقق و فعال رسانه‌ای

در بی دولتی موسیقی

سند موسیقی بدون پشتوانه و ضمان اجرایی بی ارزش است

است ولی به تولیدات و سمفونی های متصل رسیده است نه به هنر اصیل موسیقی ایرانی.

آیا نمی دانند ما هنرمندان حداقل دو دهه از عمرمان را گذاشتیم و شاگردی کردیم و آموختیم و حالا که از تجربه و هنر و عمرمان می خواهیم ارتزاق کنیم باید از شاگردی که درس می دهیم یا اثری که خلق می کنیم به سختی به قرارداد و فروش می رسانیم به دولت مالیات بدهیم. البته مالیات همه جای دنیا هست ولی در آزادی کسب و پیشه یک هنرمند طرح و ایده و اثرش را به فروش و عرضه می رساند و مالیات هم می دهد ولی در ایران امروز بخش عمده ای از توانایی ها و انرژی هنرمند صرف عبور از موانع و سرخم کردن پیش ناپذیری ها و نامادری هایی می شود که با حقیر کردن یک هنرمند واقعی به هیچ هنرمند و هیچ سندی نمی گذارند.

آقایان اگر قرار است مالیات بدهیم و مالیات باید برای ملت و مملکت خرج شود، چرا این مالیات صرف رونق زندگی و معیشت خود هنرمندان موسیقی نشود که ما هم از مالیاتی که می دهیم راضی و دلخوش باشیم و برایمان حکم پول زور و شبیه وصولی های داروغه ناتیگهام نباشد؟

آیا می دانید مدیران مجموعه های هنری رسمی ودولتی خودشان قراردادها و تولیدات دارند و لحاف را روی خودشان می کشند؟ آیا این خبر به گوشتان نرسیده است؟

آیا می دانید بین ۵ تا ۷ درصد از سهم فروش بلیط کنسرت های موسیقی به دلال های فروش بلیط می رسد و این عدد در سال چقدر بزرگ است که می تواند مشکلات معیشتی بسیاری از هنرمندان موسیقی را حل کند ولی به جیب دلالان و شرکت های وابسته به مجموعه دولتی می رود چون یا شرکت مال خودشان است یا همان قضیه خاندان هزار داماد تکرار شده است؟ آیا در سند موسیقی تمهیداتی برای مقابله با این اعداد و این شرکت ها و ارتباطات مخفی و معضلاتی چنین اندیشیده شده است؟

امید که با درایت و تدبیر همه ی مسئولان دلسوز آینده ی درخشان برای هنرمندان موسیقی اصیل، فاخر و مشخص ایران، رقم بخورد.

* عنوان را از کتاب دکتر جلال ستاری (در بی دولتی فرهنگ) وام گرفتم چون بسیار از این استاد آموختم و عجیب تفکراتش بروز بود و تا سالها همچنان می شود از نظراتش درس گرفت.

برای وضع موسیقی در این سالهای ایران نقد و تفسیر نوشتن سخت است چون شبیه زمانی است که بخواهی درباره فیزیک بدنی یا منش رفتاری و اخلاقی اجنه و از ما بهتران بنویسی!

موسیقی ایرانی در نیم قرن گذشته طفلی یتیم بوده که از هر طرف تلنگر ظالمانه ای خورده است، یا مورد غضب شرع بوده یا مورد تحریم قانون و این هنر انسانی و اخلاقی که نه به شرع مربوط است و نه به قانون توسط این پدر و مادر نازا و نابارور به فرزندی گرفته شد تا هر زمان باید خودشان را در مملکت عزیز کنند دستی به سرش بکشند و صله ای بدهند و هر زمان اختلافاتشان به اوج رسید این طفل را توبیخ و تحریم و حبس کنند تا درون ناکاربلدشان ارضا شود که کاری کرده باشند.

بحث حرمت و حلیت موسیقی و نیز بحث خط قرمز در جامعه ای دینی که ربا و رشوه و رانت و تبانی و هزاران ظلم به مال و ملت و بیت المال این ملت دیده می شود بحث مضحکی است ...

هنوز در جریان طبیعی رونق اقتصادی موسیقی قامت ناموزون مصوبات و مقیدات شوراها و شعر و موسیقی، بعضا موجب آزار موسیقیدانان است ولی جالب است که سند موسیقی را تنظیم و توشیح می کنند و همه از امید و آرزو و طرح های آینده گفتند و گفتند ولی کسی از آقای متصدیان امر نپرسید که این سند کدام موسیقی است؟

برای طفل به سرپرستی گرفته شده شجره نامه می نویسیم و خودمان به خودمان به به نثار می کنیم. یعنی آقایان نمی دانند پنجره وفای وزارت فحیمه پنجره جفاست و بی نهایت باگ سیستمی و مدیریتی دارد و چقدر زجر دارد تا یک فایل را از این پنجره به طرفشان بباندازیم (آپلود فشاری) بهر حال تا آقای وزیر و کلان مدیران مملکت و فرهنگ و هنر، و البته ممیزی های پنهان دیگر که نگوییمشان بهتر است، به این درک و دریافت نرسند که هنر و هنرمند سند بی ضمانت نمی خواهد فقط پروسه ی قانونمند، بدون اعمال سلیقه های مختلف و حفظ کرامت انسانی می خواهد چیزی درست نمی شود و سند بی پشتوانه کاغذ سیگاری است که بعد از دود شدن نخ به نخ درونش مچاله و معدوم خواهد شد. البته دوستان بدانند که به مصداق همان دست سر طفل یتیم کشیدن در جمع، پولهای زیادی برای موسیقی آمده



خسرو عامری فر *

یادی از استاد محمد میرنقیبی

بیاورد ولی متأسفانه بعد از عمل بینایی چشم دیگر نیز از دست رفت و استاد تا پایان عمر از نعمت بینایی محروم شد.

مرحوم میرنقیبی به علت نابینایی بارها دچار اتفاقات ناگوار از قبیل افتادن و شکستگی استخوان پا و کمر شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت و با مشکلات عدیده ای رو به رو بود و حادثه تلخ و ناگوار تصادف نوه ی وی در تصادف اتومبیل داغ دیگری بود که استاد را در غم و اندوهی بی پایان فرو برد.

علی رغم این مصیبت های پی در پی استاد میرنقیبی گردهمایی ماهانه ی خود را تعطیل نکرد و از آنجا که هنرمندی خوش صحبت و مهمان نواز بود و در خانه اش به روی مشتاقان و علاقه مندان فرهنگ باز بود ماهانه جلسات پرشوری در منزلش برپا می شد و اغلب هنرمندان در آن شرکت می کردند و اینجانب هم معمولاً شرکت داشتم. در این مجالس بحث و گفتگو و اجرای موسیقی و در پایان هم پذیرایی از حضاران صورت می گرفت و توفیق اجرای بنده با ایشان نیز چند باری حاصل شد.

از ملک هنر پایه گذاران همه رفتن / رو با سفر بند که یاران همه رفتن

این عمر سیم سایه ما بسته به آهی است
دودی ز سر شمع پرید و نفسی رفت
روحش شاد و یادش گرامی

* (خواننده موسیقی سنتی)

استاد شادروان میرنقیبی در سال ۱۳۰۲ ه.ش در مشهد و در خانواده ای هنردوست دیده به جهان گشود از عنفوان جوانی علاقه به موسیقی و اشتیاق ایشان به این هنر به حدی بود که در سال ۱۳۲۲ با تدریس موسیقی در مدارس خراسان همت گمارد.

بعد از آن به تهران عزیمت و به تدریس موسیقی ادامه داد، ایشان جزو هنرمندان تکنواز به استخدام رادیو درآمد و در رشته های آهنگسازی و رهبری ارکستر های مختلف رادیو در تهیه و تنظیم کلیه برنامه های موسیقی رادیو از جمله سرپرستی برنامه گلهابیر شورای موسیقی و تهیه کنندگی برنامه تکنوازان فعالیت داشت.

استاد در سال ۱۳۲۰ در هنرستان موسیقی ملی خدمت خود را در اشاعه موسیقی ادامه داد و سرانجام به سمت مدیر هنرستان عالی منصوب شد.

میرنقیبی تا آخرین روزهای خدمت خود به هنر موسیقی و اشاعه آن همت گماشت. در سال ۱۳۵۴ بازنشسته شد و تا آخر عمر به تربیت هنرمندان و هنرجویان موسیقی پرداخت.

متأسفانه استاد در اواخر عمر روزگار خوبی نداشت و اتفاقات ناگواری که پی در پی برای این هنرمند بزرگ پیش آمد روزگار پر از یاس و دردی را برایش پدید آورد.

یکی از چشمان او به علت مرض قند بینایی اش را از دست داد و ترس از دست دادن چشم دیگر موجب شد تا به عمل جراحی روی

۸ پرسش خانه موسیقی از نامزدهای ریاست جمهوری



ذکر است که پخش رایگان آثار هنرمندان از رسانه‌ی ملی و فضاهای مجازی از نمونه‌های روشن عدم رعایت کپی رایت به شمار می‌رود. برای رونق اقتصاد هنر و احترام به حقوق هنرمندان از طریق

اجرائی کردن قانون حقوق مولف و مصنف چه برنامه‌ای دارید؟

۳- بوروکراسی، ممیزی و پروسه‌ی طولانی که پیش روی فعالان و مجریان موسیقی برای تاسیس موسسه فرهنگی، انتشار آلبوم و کتاب، اجرای کنسرت صحنه‌ای و... وجود دارد همواره مورد نقد هنرمندان فعال بوده است؛ برای این موضوع چه تمهیداتی اندیشه‌اید؟

۴- ممانعت از اجرای کنسرت‌ها با اعمال سلیقه و مخالفت با حضور بانوان بر روی صحنه در برخی شهرها متأسفانه به یکی از معضلات مزمن و تقریباً لاینحل مبدل شده است. سیاست شفاف شما در این خصوص چیست؟

۵- نشان ندادن ساز از تلویزیون و پخش آثار سخیف و غیر فرهنگی از صدا و سیما و سیاست‌های غیر شفاف این رسانه در قبال این هنر شریف همواره مورد گله و نقد هنرمندان پیشکسوت بوده است. نظر صریح و شفاف شما نسبت به این موارد چیست؟

۶- همانگونه که همگان اطلاع دارند عدم امنیت شغلی در حوزه موسیقی، متأسفانه برای بانوان مضاعف بوده و این عزیزان علی‌رغم عدم مخالفت فقهی برخی مراجع عظام از جمله فتوای صریح رهبری در مورد صدای بانوان، از کمترین امکانات اجتماعی برای فعالیت و ارتقای هنر خویش بی‌بهره‌اند. به طور شفاف در این باره چه نظر و برنامه‌ای دارید؟

۷- یکی از مشکلات عمده فعالان عرصه‌ی هنرموسیقی عدم امنیت شغلی و تمکن مالی و در نتیجه عسرت در معیشت و زندگی است این مشکلات بویژه برای هنرمندان پیشکسوت و معمر تشدید شده و متأسفانه این عزیزان را با بحران‌های مختلف از جمله بیکاری، بیماری و مسائلی از این دست مواجه ساخته است برای بیمه جامع هنرمندان و حمایت مشخص از این قشر شریف آیا برنامه‌ای دارید؟

۸- کمبود تالارها و سالن‌های تخصصی، موجب گرانی و افزایش سرسام آور قیمت بلیت برنامه‌های هنری شده است به طوری که استفاده از این برنامه‌ها صرفاً در توان طبقه برخوردار و مرفه جامعه است و قشر فرهنگی و متوسط همچون دانشجویان، معلمان، کارمندان و... تقریباً از برنامه‌های فرهنگی و هنری محروم شده‌اند؛ آیا برای ساخت، تجهیز و بهره‌برداری سالن‌های مجهز، جهت ترغیب ورود بخش خصوصی به این عرصه برنامه‌ای دارید؟

در آستانه برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و در بنبوحه‌ی طرح برنامه‌ها و دیدگاه‌های نامزدهای این دوره، نهاد خانه موسیقی با هدف پیگیری مطالبات اعضا و هنرمندان حوزه موسیقی هشت پرسش اساسی را در زمینه فعالیت‌های فرهنگی و هنری در کشور طرح کرده است.

خانه موسیقی ایران به عنوان تنها نهاد صنفی- تخصصی هنر موسیقی با بیش از شانزده هزار عضو، فراز و فرودهای متعدد و پر داستانی را طی بیش از دو دهه، پشت سر نهاده که شرح آن مثنوی هفتاد من خواهد بود.

ماجرای موسیقی و حرمت آن و احوال مختلف و متناقض پیرامون این هنر شریف بی‌نیاز از شرح و توضیح است و متأسفانه نسل‌های متوالی هنرمندان موسیقی با چالش‌های عجیب غریب دست و پنجه نرم کرده و همواره عمر عزیزشان را صرف اثبات خود و هنرشان نمودند ولی شگفتا که بعد از نزدیک به نیم قرن، هنوز به سر منزل مقصود خویش نرسیده‌اند... هرچند که خوشبختانه در دولت سیزدهم تلاش و کوشش دلسوزان به بار نشست و بالاخره سند موسیقی تصویب و ابلاغ شد که هنوز با سند مطلوب و مورد نظر قاطبه‌ی هنرمندان فاصله دارد. (ضمانت اجرایی این سند یکی از ضرورت‌های آن است که رئیس‌جمهور آینده باید در این زمینه عنایت ویژه داشته باشد.)

نهاد صنفی خانه موسیقی بنا بر اهداف و رسالت خود که یکی از آنها پیگیری مطالبات به حق اعضا و هنرمندان حوزه‌ی موسیقی است و با هدف شفاف سازی و آشنایی مخاطبان با سیاست‌ها و دیدگاه‌های نامزدهای محترم این دوره چند سوال را مطرح می‌کند. پرواضح است که عدم شفافیت و مشخص نبودن سیاستگذاری، اهالی هنر و موسیقی را دچار تردید می‌کند؛ بر این اساس پاسخ شفاف و روشن هریک از نامزدها به این سوالات می‌تواند در رفع تردید مخاطبان و حضور در انتخابات تاثیرگذار باشد.

۱- برای اشتغال هزاران فارغ‌التحصیل بیکار رشته‌های مختلف حوزه موسیقی که هر ساله بر تعداد آنها اضافه می‌شود چه برنامه مشخص و مدونی دارید؟

۲- موضوع مهم هنرمندان عرصه موسیقی، مغفول ماندن اقتصاد هنر از سوی دولتمردان در چند دهه گذشته بوده است که عدم توجه به حقوق مولف و مصنف (کپی رایت) در صدر این مقوله، به عنوان یک نکته‌ی بارز تضییع حقوق هنرمندان محسوب می‌شود؛ لازم به

ششمین جشنواره موسیقی امیرجاهد



اهداف جشنواره

به منظور حفظ و ارتقاء فن و هنر موسیقی جدی مبتنی بر مبانی تفکر، فرهنگ و هنر ملی ایران و ضرورت کشف استعدادهای درخشان و حمایت از نسل جوان که از سرمایه‌های ارزشمند کشور بشمار می‌آیند؛ خانه موزه دکتر معین و استاد محمدعلی امیرجاهد با همکاری خانه موسیقی ایران بر اساس وظایف و رسالت خود، “جشنواره ملی موسیقی امیرجاهد” را هر ساله برگزار می‌نماید. در این جشنواره که شامل موسیقی ایرانی (سنتی و محلی)، کلاسیک، پاپ، کوبه‌ای و آواز است، افراد متقاضی و گروه‌ها با توجه به رده‌سنی پس از ارزیابی اولیه و کسب مجوز، به رقابت خواهند پرداخت.

* ششمین جشنواره ملی موسیقی امیرجاهد در پنج رده سنی:

الف (۸-۱۱ سال) / ب (۱۵-۱۲ سال) / ج (۲۰-۱۶ سال) / د (۳۰-۲۱ سال) و ه (۳۱ سال به بالا) برگزار می‌گردد.



شاخه‌های مختلف جشنواره

* موسیقی ایرانی (سازهای ملودیک / کوبه‌ای)

- سازهای ملودیک:

۱. دو نوازی:

- * سازهای مورد تایید در این بخش، شامل ۲ ساز ملودیک است ضمن اینکه جایگزین کردن یک ساز کوبه‌ای به جای یکی از سازهای ملودیک نیز بلامانع خواهد بود.
- * در این بخش شرکت کنندگان مجاز به انتخاب ۲ قطعه بصورت اختیاری هستند.
- * حداکثر زمان جهت اجرای صحنه‌ای، ۸ دقیقه خواهد بود.

۲. گروه نوازی:

- * حداقل تعداد شرکت کنندگان این بخش در هر گروه، ۳ نفر و حداکثر ۲۰ نفر خواهد بود.
- * در گروه سه نفره، استفاده از حداقل ۲ ساز ملودیک الزامی است.
- * حداکثر زمان جهت اجرای صحنه‌ای، ۱۰ دقیقه خواهد بود.
- * حضور تنها یک نفر، خارج از رده سنی در هر گروه، مجاز خواهد بود.
- * شرکت کنندگان در این بخش، مجاز به انتخاب ۲ قطعه به صورت اختیاری هستند و چنانچه یکی از قطعات انتخابی، از تصنیف‌های استاد محمدعلی امیرجاهد باشد، ۱۰ امتیاز از مجموع ۱۰۰ امتیاز هیئت داوران به این موضوع اختصاص می‌یابد.

۳. آواز و تصنیف:

- * در این بخش، خانم‌ها می‌توانند به صورت همخوان شرکت نمایند.
- * به استثنای گروه سنی الف سایر رده‌های سنی امکان شرکت در این بخش را خواهند داشت.
- * در مرحله ارزیابی اولیه داوران (ارائه CD یا DVD) همراهی ساز، مجاز نبوده و در زمان اجرای صحنه‌ای، همراهی تنها یک ساز ملودیک یا کوبه‌ای به درخواست داوطلب، امکان‌پذیر خواهد بود.

- سازهای کوبه‌ای:

- * حداقل تعداد شرکت کنندگان این بخش در هر گروه، ۲ نفر و حداکثر ۳۰ نفر خواهد بود.
- * حداکثر زمان جهت اجرای صحنه‌ای، ۱۰ دقیقه است.
- * حضور حداکثر ۲ نفر (در گروه‌های بالای ۱۵ نفر) و تنها یک نفر (در گروه‌های کمتر از ۱۵ نفر)، خارج از رده سنی، مجاز خواهد بود.
- * در گروه سه نفره استفاده از حداقل ۲ ساز کوبه‌ای الزامی است.
- * در این بخش هر گروه قادر به اجرای حداکثر ۲ قطعه کوبه‌ای (بدون پخش موسیقی زمینه یا زیرصدا) است.

* موسیقی کلاسیک / پاپ

۱. دو نوازی:

* سازهای مورد تایید در این بخش، شامل ۲ ساز ملودیک است ضمن اینکه جایگزین کردن یک ساز کوبه‌ای به جای یکی از سازهای ملودیک نیز بلامانع خواهد بود.

* در این بخش شرکت کنندگان مجاز به انتخاب ۲ قطعه بصورت اختیاری هستند.

* حداکثر زمان جهت اجرای صحنه‌ای، ۸ دقیقه خواهد بود.

۲. گروه نوازی:

* حداقل تعداد شرکت کنندگان این بخش در هر گروه، ۳ نفر و حداکثر ۲۰ نفر خواهد بود.

* در گروه سه نفره استفاده از حداقل ۲ ساز ملودیک الزامی است.

* تعداد قطعات در این بخش تنها ۲ قطعه بوده و انتخاب قطعات، بعهدہ شرکت کنندگان خواهد بود.

* حداکثر زمان جهت اجرای صحنه‌ای، ۱۰ دقیقه خواهد بود.

* حضور تنها یک نفر، خارج از رده سنی در هر گروه، مجاز خواهد بود.

۳. آواز:

* در این بخش، خانم‌ها می‌توانند به صورت همخوان شرکت نمایند.

* به استثنای گروه سنی الف سایر رده‌های سنی امکان شرکت در این بخش را خواهند داشت.

* در مرحله ارزیابی اولیه داوران (ارائه CD یا DVD) همراهی ساز، مجاز نبوده و در زمان اجرای صحنه‌ای، همراهی تنها یک ساز ملودیک یا کوبه‌ای به درخواست داوطلب، امکان‌پذیر خواهد بود.

۱. مطالعه آیین نامه و ارائه مدارک مورد نیاز به دبیرخانه جشنواره تا پایان مرداد ماه ۱۴۰۳. (این زمان قابل تمدید نخواهد بود)

* مدارک مورد نیاز:

الف) تکمیل فرم درخواست شرکت در جشنواره.

ب) ارائه CD یا DVD (تصویری) فایل عکس پرسنلی با کیفیت به همراه اجرای اثر متقاضی که معرف توانایی‌ها و قابلیت‌های متقاضی (بدون هرگونه افکت، صداگذاری، ضبط استودیویی و...) به صورت زنده باشد.

ج) تصویر کارت ملی و صفحه اول شناسنامه برای هر متقاضی.

د) پرداخت مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ تومان بابت هر یک از شرکت کنندگان.

● تذکر مهم:

* ارسال اثر به دبیرخانه جشنواره به معنای حضور و شرکت در جشنواره نبوده و هیئت داوران، پس از بررسی مدارک و CD یا DVDهای

ارسالی، منتخبین واجد شرایط را از طریق امکانات تماس تلفنی و ارسال پیامک به جشنواره دعوت خواهند نمود.

۲. بررسی آثار و اعلام نتایج اولیه، نیمه اول شهریور ماه ۱۴۰۳.

۳. اجرای صحنه‌ای پذیرفته شدگان در حضور هیئت داوران، نیمه دوم شهریور ماه ۱۴۰۳.

* هیئت داوران هر بخش ضمن توجه به شرایط سنی و توانایی‌های اجرای با نظم و صحیح قطعات، بیان موسیقایی، چگونگی حضور در صحنه، تنظیم اثر، حفظ ریتم و ایجاد صدای مطلوب از ساز و نیز تکنیک‌های اجرای مختص به هر یک از سازها، افراد را مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

۴. اختتامیه و اعلام برگزیدگان همراه با اهدای لوح و تندیس جشنواره، مهر ماه ۱۴۰۳.

رخدادهای خانه موسیقی ایران در فصل بهار

ذکر شده ملاک عمل حق عضویت مصوب سال ۱۴۰۳ خواهد بود.

کانون موسیقی نواحی تشکیل می شود



جلسات کانون‌های صدابرداران، سازندگان ساز و نوازندگان کلاسیک برگزار شد

پرونده متقاضیان عضویت و ارتقا درجه در کانون‌های صدابرداران، سازندگان ساز و نوازندگان کلاسیک بررسی شد.



به گزارش خانه موسیقی ایران، در ادامه برگزاری جلسات کانون‌های ده گانه در سال جاری، اعضای هیئت مدیره کانون‌های صدابرداران، سازندگان ساز و نوازندگان کلاسیک در جلساتی جداگانه به بررسی و ارزیابی پرونده متقاضیان عضویت و متقاضیان ارتقا درجه در این کانون‌ها پرداختند.

هیئت مدیره خانه موسیقی ایران بعد از چندین جلسه بحث و بررسی در مورد چگونگی تاسیس کانون موسیقی نواحی رای به تشکیل این کانون داد.

براین اساس مقرر شد اعضای هیئت موسس این کانون که متشکل از هنرمندان و نمایندگانی از نواحی مختلف ایران هستند جهت همکاری و همفکری دعوت به عمل آید.

همچنین پیمان بزرگ نیا عضو کانون پژوهشگران خانه موسیقی نیز به عنوان مسئول هماهنگی تاسیس این کانون از سوی مدیرعامل معرفی شد.

اطلاعیه خانه موسیقی

قابل توجه اعضای محترم خانه موسیقی

به اطلاع میرساند با توجه به مصوبه مجمع عمومی مبنی بر اختیار افزایش حق عضویت تا سقف ۵۰ درصد از سوی هیئت مدیره و اعمال این افزایش در سال جدید (۱۴۰۳)، اعضای که حداکثر تا تاریخ ۳۱/۰۲/۱۴۰۳ نسبت به تمدید کارت عضویت خود اقدام نمایند حق عضویت معوقه (سال‌های قبل) بر مبنای نرخ سال گذشته محاسبه خواهد شد در غیر اینصورت و پس از تاریخ

عضویت ۲۸ نفر در کانون مدرسان



در جلسه کانون مدرسان خانه موسیقی ایران، پرونده متقاضیان عضویت و ارتقا درجه در این کانون توسط هیئت مدیره کانون مدرسان مورد بررسی قرار گرفت.

هیئت مدیره کانون مدرسان خانه موسیقی ایران متشکل از داوود گنجه‌ای، آذر هاشمی، هادی منتظری، مهدی مساح بیدگلی و رضا شایسته ظهر روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه پرونده متقاضیان عضویت و ارتقا درجه در این کانون را بررسی و به درخواست‌ها رسیدگی کردند که در نهایت صلاحیت ۲۸ نفر از این متقاضیان مورد تایید قرار گرفت.

پیرو برگزاری جلسات کانون‌ها، جلسه کانون صدابرداران دوشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه امسال با گردهمایی اعضای هیئت مدیره این کانون متشکل از: آقایان علیرضا آزادگان مهر، امید انصاری، محمود آیت و خانم سوسن بخشایش، پس از به عمل آمدن آزمون مرتبط، با پذیرش تعداد ۴ پرونده از پرونده‌های بررسی شده به اتمام رسید.

در ادامه در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه، اعضای هیئت مدیره کانون سازندگان ساز؛ آقایان داریوش النجری، علیرضا جاوید مقدم، مجتبی نوابی، تورج جمالی و شاهرخ حاتمی (بازرس) در محل خانه موسیقی ایران حضور یافته و با ارزیابی پرونده‌های متقاضیان عضویت و ارتقا درجه ۱۶ پرونده را بررسی کردند.

اعضای هیئت مدیره کانون نوازندگان کلاسیک؛ آقایان فرزاد دانشمند، امیر پدram طاهریان، خسرو بهرامی و علیرضا میرآقا و خانم سیده ماریه جلیلیان نیز در جلسه مورخ ۳۱ اردیبهشت ماه اسامی ۲۲ نفر از متقاضیان را پس از اخذ آزمون به عنوان پذیرفته شدگان عضویت در این کانون اعلام کردند.

لازم به ذکر است جلسات کانون‌های پژوهشگران، نوازندگان سنتی، خوانندگان کلاسیک، آهنگسازان و خوانندگان سنتی نیز در خرداد ماه ۱۴۰۳ با حضور اعضای هیئت مدیره کانون‌های مذکور جهت ارزیابی پرونده‌ی متقاضیان عضویت و ارتقا درجه برگزار خواهد شد.



مراحل تمدید کارت عضویت

با توجه به اطلاع‌رسانی در چندین نوبت از اعضا محترم خواسته شد جهت تمدید کارت عضویت خود به شرح ذیل اقدام نمایند: اعضای که اعتبار کارت عضویتشان به اتمام رسیده است میبایست علاوه بر تکمیل پندل کاربری خود در سامانه جامع هنرمندان به نشانی <https://my.iranhmusic.ir> (یوزر: کد ملی، پسورد: کد عضویت) تمامی سوابق و مدارک (با تأکید بر سوابق سال ۱۳۹۷ تا کنون) خود را نیز در قسمت آپلود مدارک به شرح ذیل بارگزاری و با واحد عضویت خانه موسیقی به شماره ۱۲-۶۶۹۱۷۷۱۱ تماس حاصل نمایند:

۱- شناسنامه (فقط صفحه اول، در صورتیکه دارای توضیحات میباشد صفحه مربوطه نیز آپلود شود)

۲- کارت ملی

۳- مدارک تحصیلی مرتبط با موسیقی

۴- تأییدیه استاد برای هنرمندان فاقد مدرک تحصیلی مرتبط
۵- بروشور کنسرت‌ها، تقدیرنامه‌ها و کلیه سوابق هنری و اجرایی به صورت مکتوب

۶- کارت صلاحیت تدریس (در صورت دارا بودن)

۷- در صورت تدریس در آموزشگاه‌های موسیقی یا مراکز

فرهنگی مرتبط، گواهی مبنی بر اشتغال به تاریخ روز (۱۴۰۳)
۸- مجوزهای اخذ شده از: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی یا گواهی صلاحیت ساخت ساز صادر شده از طرف خانه موسیقی (مختص کانون سازندگان ساز)
۹- تأییدیه از استودیو صدابرداری معتبر (جهت اعضای کانون صدابرداران)

۱۰- سایر مدارک مرتبط با موسیقی

لازم به ذکر است، اعضای محترمی که کارت عضویت خود را تمدید کرده و نیاز به معرفی نامه صندوق اعتباری هنر جهت بروزرسانی و فعال کردن پندل کاربری خود در آن صندوق را دارند لازم است همزمان با درخواست تمدید کارت عضویت این مطلب را عنوان نموده تا معرفی نامه مذکور صادر و از طریق واتساپ خانه موسیقی به شماره ۰۹۳۶۴۱۱۳۱۰۰ برای ایشان ارسال گردد.

این قافله عمر عجب می گذرد...

بهار سال ۱۴۰۳ مانند تمام روزهای گذشته دلگیر بود و با غم فراغ یاران و عزیزان همراه شد. جامعه موسیقی سوگوار از دست دادن عزیزی شد که سالها در خدمت فرهنگ و هنر این سرزمین بودند. به رسم ادب و در این روزها یاد می کنیم از تمام آنانی که کنارمان بودند و حالا نیستند و آرزو می کنیم سال آینده سالی سرشار از اتفاقات خوب در حوزه موسیقی باشد.

درویش چنگیزعبدی تنبور نواز و کلام خوان برجسته ۱۶ فروردین در کربند غرب در ۸۰ سالگی درگذشت. عبدی پور شاگرد بابا غلام همت آبادی از بازماندگان صاحب الحان قدیم در حوزه موسیقی مقامی و مرجع تنبور و کلام به شمار می آمد.



نصراالله شیرین آبادی نوازنده پیشکسوت ویولن، در اردیبهشت ماه بر اثر ایست قلبی جان به جان آفرین تسلیم کرد.



فرمان مرادی پیشکسوت و عضو سابق هیات مدیره کانون سازندگان ساز در دومین روز خرداد و در آخرین روزهای ۷۷ سالگی خود پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.



مینو افتاده مدرس و نوازنده کمانچه پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری در خرداد ماه جان به جان آفرین تسلیم کرد. مینو افتاده فارغ التحصیل هنرستان، علاوه بر نوازندگی ویولن و کمانچه به سازهای پیانو و تمبک نیز آشنا بود. وی بعد از هنرستان تحصیلاتش را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه داد.



امیرشهبازیان آهنگساز و ناشر ۲۳ اردیبهشت بر اثر ایست قلبی درگذشت.





www.iranhmusic.ir